

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳

درباره‌ی قانون

«طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» توسط تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در راستای احیای وظیفه‌ی قانونی و شرعی امر به معروف و نهی از منکر، موضوع اصل (۸) قانون اساسی و حمایت قانونی از اقدام‌کنندگان به این وظیفه‌ی همگانی، در قالب یک ماده واحد و با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد. در مقدمه‌ی توجیهی این طرح، در خصوص ضرورت ارائه‌ی این طرح و قید فوریت آن آمده است: «اصل هشتم (۸) قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان یک تکلیف همگانی مقرر نموده و شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسئول و ناظر قرار داده است. بدون شک این تکلیف مستلزم پیش‌بینی حمایت‌های قانونی لازم از افرادی است که مبادرت به انجام این وظیفه‌ی قانونی و شرعی می‌نمایند. به عبارت دیگر، چنانچه اجتماع از منافع و کارکردهای مثبت این نهاد بهره‌مند می‌شود علی‌القاعده باید حمایت‌ها و تدابیر قانونی لازم را نسبت به کسانی که آسیب‌ها و مخاطرات انجام این وظیفه‌ی سنگین را متحمل می‌شوند، به‌عمل بیاورد. با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری در سال جدید و اهتمام ایشان به مقوله‌ی فرهنگ و پذیرش این امر که یکی از مطلوب‌ترین راهکارهای ارتقای فرهنگ جامعه، عملیاتی نمودن اصل هشتم (۸) قانون اساسی است، ضرورت حمایت قانونی از آمرین به معروف و ناهیان از منکر و مقابله با افرادی که با ضرب و جرح این اشخاص در واقع به اصل هشتم (۸) قانون اساسی تعرض نموده‌اند و ارزش‌های بنیادین جامعه‌ی اسلامی را متزلزل و مورد خدشه قرار داده است، آشکار می‌گردد. در حال حاضر مبادرت به انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر حتی در مواردی ممکن است مشمول عنوان مجرمانه‌ی ایجاد مزاحمت نیز باشد. طرح حاضر صرفاً با هدف حمایت قانونی از آمران به معروف و ناهیان از منکر و به منظور رفع خلأ قانونی تهیه گردیده است و درصدد تبیین شرایط و حدود و کیفیت انجام این وظیفه (موضوع اصل هشتم (۸) قانون اساسی) نمی‌باشد. بدیهی است در این خصوص نیز پیش‌بینی قانونی لازم باید صورت گیرد. لذا این طرح با قید دو فوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌گردد.

دو فوریت بررسی این طرح در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ به رأی نمایندگان گذاشته شد که نمایندگان مجلس، صرفاً با یک فوریت بررسی این طرح موافقت کردند. بر این اساس، این مصوبه برای رسیدگی به کمیسیون مشترک (= کمیسیون قضایی و حقوقی و کمیسیون فرهنگی) مجلس شورای اسلامی به عنوان کمیسیون اصلی ارسال شد. این کمیسیون، پس از بحث و بررسی راجع به مفاد این طرح، سرانجام آن را در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ با اصلاحاتی به تصویب رساند و گزارش آن را به مجلس ارائه کرد. پس از آن، این طرح در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۸ در صحن علنی مجلس مطرح شد و با اصلاحاتی به تصویب نمایندگان رسید و برای طی روند قانونی مذکور در اصل (۹۴) قانون اساسی، به موجب نامه‌ی شماره ۴۶۷/۶۵۱۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این شورا با تشکیل جلسات متعدد (جلسات مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶، ۱۳۹۳/۱۰/۳ و ۱۳۹۳/۱۰/۱۰)، این مصوبه را بررسی کرد و در نهایت، مفاد آن را در مواردی مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۰/۳۱۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. مجلس برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵، اصلاحات لازم را در این مصوبه اعمال و آن را طی نامه‌ی شماره ۴۶۷/۸۰۵۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ برای اظهار نظر مجدد به شورای نگهبان ارسال کرد. در این مرحله، شورای نگهبان پس از بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ و ۱۳۹۳/۱۲/۶، برخی از ایرادهای پیشین خود را همچنان پابرجا و رفع نشده تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۷۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. با اعاده‌ی این مصوبه به مجلس، این بار نمایندگان در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۳، اصلاحات لازم را برای برطرف شدن ایرادهای شورای نگهبان اعمال کردند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۴۶۷/۳۱۱۸ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کردند. اعضای شورای نگهبان نیز در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۲/۲ خود، پس از بررسی مصوبه‌ی اصلاحی،

ایرادهای پیشین خود به این مصوبه را برطرف شده دانستند و نظر خود مبنی بر مغایرت نداشتن مفاد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۳۱۸ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۹/۱۸ (مرحله نخست)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۹/۲۶، ۱۳۹۳/۱۰/۳ و ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

ماده ۱- در این قانون معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل و قول و یا ترک فعل و قولی که در شرع مقدس، قوانین و عرف مشرعه مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.
تبصره- در موارد اختلاف در احکام شرعی، نظر ولیّ امر مسلمین ملاک عمل می‌باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) در این ماده، تعبیر «ترک فعل و قول که مورد امر یا نهی قرار گرفته است» دارای اشکال است؛ توضیح آنکه ایرادی که امام خمینی (ره)^۱ به نظر بسیاری از علما داشتند آن بود که نهی، متعلق به فعل است نه ترک فعل؛ به عبارت دیگر، همان‌طور که وجوب، متعلق به فعل است، حرمت نیز متعلق به فعل است، لکن معنای وجوب، بعث به فعل و معنای حرمت، زجر عن الفعل است. بر همین مبنا، این ماده باید بدین نحو اصلاح شود که معروف هرگونه عمل و قولی است که به انجام آن دستور داده شده و منکر هرگونه عمل و قولی است که از انجام آن منع شده است.

ب) ماده (۱) این مصوبه، یکی از معیارهای تعریف و شناسایی معروف و منکر را فعل و قول یا ترک فعل و قولی دانسته است که در «عرف مشرعه» مورد امر واقع و یا منع شده باشد. یعنی در ماده‌ی مزبور، عرف مشرعه در کنار شرع و قسیم آن در تعریف معروف و منکر قرار گرفته است. این در حالی است که ملاک تعریف معروف و منکر، شرع مقدس است و عرف - حتی عرف مشرعه - نمی‌تواند معیار احراز معروف و منکر باشد؛ زیرا در بسیاری از موارد اعمال (افعال) و ترک فعل‌هایی از جهت عرف مذموم هستند، لیکن آن رفتارها از نگاه شارع مقدس، مورد امر و یا نهی قرار نگرفته‌اند. بنابراین، با توجه به اینکه در ماده (۲) این مصوبه، امر به معروف و نهی از منکر را وادار کردن و یا منع کردن دیگران تعریف کرده است، نمی‌توان افراد را به رفتاری که در میان عرف مشرعه نامطلوب است لیکن در شرع نسبت به آن، حکم اولی یا ثانوی صادر نشده است، وادار یا منع کرد. به عنوان نمونه، می‌توان به پوشیدن پیراهن آستین‌کوتاه توسط مردان اشاره کرد که در مواردی شرعاً مباح است، ولی عرف مشرعه آن را نمی‌پذیرد. بدیهی است در این موارد، تنها می‌توان شخص را نصیحت کرد و پند داد، نه امر یا نهی. بنابراین، در این ماده اطلاق عبارت «عرف مشرعه» نسبت به مواردی که شرعاً حکمی به عنوان اولی یا ثانوی وجود ندارد، خلاف موازین شرع است.

ج) این ماده یکی از ملاک‌های احراز و شناسایی معروف و منکر را قول، فعل و یا ترک فعل و قولی دانسته است که در «قوانین» نسبت به آن امر یا منع شده است. هر چند قوانینی که با تأیید شورای نگهبان در جمهوری اسلامی ایران اجرا می‌شوند، شرعی محسوب می‌شوند، لیکن اطلاق «قوانین» در این ماده، شامل قوانین قبل از انقلاب که هنوز نسخ نشده است و معتبر هستند و تاکنون

۱. «... الأمر هو البعث نحو وجود الطبيعة أو نحو الطبيعة حسبما عرفت، فهو طلب و بعث و انعراء، و النهي هو الزجر و الإزعاج عن الوجود أو الطبيعة، فمتعلقهما واحد و أما اختلافهما بحسب الذات، فالبعث الإنشائي فد الأمر بمنزلة الإغراء الخارج و الإلقاء التكويني نحو العمل، و الزجر الإنشائي بمنزلة الدفع التكويني و المنع الخارج عن الاتكاف. و أما اختلافهما بحسب المبادي، فمبادي الأمر - بعد التصور - هو التصديق بالفائدة و الاشتياق، و مبادي النهي هو التصديق بالمفسدة و الكراهة. و أما بحسب الأحكام، فلما كان الأمر متعلقاً بالطبيعة، كان تمام المتعلق له هو الطبيعة، فبتحقق فرد ما منها يتحقق تمام المطلوب، فبقاء الأمر مع تحقق تمام المطلوب جُزأف باطل. و أما النهي فلما كانت حقيقة الزجر عن الوجود، لا طلب العدم، كان حكمه القائل هو دفع الطبيعة و الزجر عنها بتمام حقيقتها، فلا يكون - مع الانتهاء فد زمان - مطلوب المولى حاصل و لا مع الإتيان بفرد من المنهه عنه نهيه ساقطاً؛ فإن المعصية لا يعقل أن تكون مسقطه، لا فد جانب الأمر و لا النهي.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، لحقات الأصول؛ تقریرات درس مرحوم آیت‌الله بروجردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، صص ۲۰۹-۲۰۷)

در شورای نگهبان از جهت مغایرت یا عدم مغایرت با موازین شرع مورد بررسی قرار نگرفته‌اند نیز می‌شود. بر همین اساس، ممکن است این دسته از قوانین، متضمن مواردی از امر و یا نهی باشند که وادار کردن و یا منع دیگران از آنها، مغایر با موازین شرعی باشد. بنابراین، در این ماده قسیم قرار دادن معیار «قوانین» به صورت مطلق در کنار ملاک «شرع» برای شناسایی موارد معروف و منکر، با موازین شرع مغایرت دارد.

د) متعلق امر و نهی در این ماده، هر فعل و قول و یا ترک فعل و قولی است که ممکن است در شرع مقدس احکام متفاوتی برای آنها تعیین شده باشد. توضیح اینکه، حکم شرعی برخی از اوامر، مستحب بوده و بعضی از نواهی نیز در زمره‌ی مکروهات قرار می‌گیرند. از طرفی، از نظر شرعی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، تنها ناظر بر نواهی و اوامری است که دلالت بر حرمت و وجوب دارند. با توجه به اینکه اجرای این قانون از جهت واداشتن و یا بازداشتن دیگران، دارای آثار اجتماعی و قانونی^۲ از جمله مراتب «عملی» است، معروف و منکر باید تنها در قلمرو احکام واجب و محرمات تعریف شوند و شمول امر به معروف و نهی از منکر به احکام مستحبی و رفتارهای کراهت‌آمیز، مغایر با موازین شرع است.

ه) هر چند حکم مقرر در تبصره‌ی این ماده مبنی بر تبعیت از نظر ولی^۱ امر در موارد اختلاف در احکام شرعی، در امور حکومتی صحیح است، لیکن الزام به تبعیت از نظر ایشان در امور غیر حکومتی دارای اشکال است؛ زیرا مطابق با موازین شرعی، شخص مقلد باید در امور غیر حکومتی طبق فتوای مرجع خود عمل کند، حال آنکه تبصره‌ی این ماده به‌طور مطلق در مواردی که در خصوص تعریف «معروف» و «منکر»، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، فتوای ولی^۱ امر مسلمین را ملاک عمل قرار داده است. به عبارت دیگر، طبق این تبصره در مواردی که میان فتوای مرجع امر و یا ناهی با فتوای مرجع تارک معروف یا فاعل منکر، اختلاف وجود داشته باشد، ملاک عمل، فتوای ولی^۱ امر مسلمین است. این موضوع از آن جهت که مستلزم عدول مکلف از فتوای مرجع تقلید خود است، مغایر با موازین شرع است. لذا اگر در تبصره‌ی مزبور، به جای عبارت «احکام شرعی»، «احکام حکومتی» قرار داده شود، این ایراد برطرف خواهد شد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد متعلق امر و نهی راجع به صیغه‌ی نهی است و منافاتی با آن ندارد که بگوییم ترک فعل می‌تواند متعلق نهی واقع شود؛ زیرا مثلاً در تروک احرام ممکن است کسی از ادله‌ی فقهی استفاده بکند که خود ترک، مورد امر و یا نهی است. بنابراین، تعبیر «ترک فعل و قول که مورد امر یا نهی قرار گرفته است» در این ماده با اشکالی مواجه نیست.

ب) هر چند تعبیر امام خمینی(ره) در مورد متعلق امر و نهی از جهت علمی تعبیر دقیقی است، لیکن با توجه به اینکه از طرفی این نزاع در بین علما یک نزاع لفظی است و از طرف دیگر، در میان عرف تعبیر به فعل و ترک فعل رایج و مرسوم است، نمی‌توان عبارت «ترک فعل و قول که مورد امر یا نهی قرار گرفته است» در این ماده را دارای اشکال دانست. ضمن آنکه شورای نگهبان تنها در جایی می‌تواند ماده یا تبصره‌ای را واجد اشکال بداند که آن ماده یا تبصره با موازین شرع و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، حال آنکه عبارت فوق‌الذکر ولو اینکه از جهت علمی دقیق نیست ولی با موازین شرع و یا قانون اساسی مغایرتی ندارد.

ج) اگرچه در این ماده، واژه‌ی «قوانین» به صورت مطلق آمده است لیکن با عنایت به اینکه مطابق با اصل (۴) قانون اساسی، کلیه‌ی قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد، مراد از «قوانین» در این ماده صرفاً قوانین منطبق با موازین اسلامی است. به عبارت دیگر، اطلاق واژه‌ی «قوانین» در این ماده، تمام نیست بلکه به دلیل وجود اصل (۴) قانون اساسی مقید و محدود به قوانین شرعی است. بر همین اساس، الزام افراد به انجام اوامر و یا ترک نواهی قانونی، مخالف شرع نخواهد بود. بنابراین، در این ماده تعیین معیار قانون در کنار معیار شرع، به‌عنوان مرجع شناسایی و تعریف معروف و منکر را نمی‌توان مغایر با موازین شرع دانست.

د) اگرچه در شرع مقدس، امر به مستحبات و ترک مکروهات نیز سفارش شده است لیکن اساساً این موضوع، امر به معروف و

^۲ مطابق با ماده (۹) همین مصوبه، اگر کسی مانع از امر به معروف و نهی از منکر شود، مشمول مجازات‌های اداری و کیفری خواهد شد.

نهی از منکر نامیده نمی‌شود؛ زیرا «معروف» تنها به قول یا فعل واجب و «منکر» به قول یا فعل حرام اطلاق می‌شود. بنابراین، در این ماده منظور از «معروف»، واجبات و منظور از «منکر»، محرمات است و این دو اصطلاح اساساً شامل مستحبات و مکروهات نمی‌شود تا این ماده با اشکال مواجه شود.

ه) تبصره‌ی این ماده در مقام حل اختلافات احکام شرعی در حوزه‌ی اجتماعی و نظم عمومی است. به همین علت نمی‌توان تنها در موارد اختلاف در احکام حکومتی تبعیت از نظر ولیّ امر مسلمین را لازم دانست، بلکه گاهی اوقات عدم تبعیت از نظر ولیّ امر در احکام غیر حکومتی نیز زمینه‌ی بی‌نظمی و هرج و مرج را به وجود خواهد آورد. در واقع، مقصود قانون‌گذار از ذکر این تبصره، ایجاد نوعی وحدت رویه برای اقامه‌ی فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از سوء استفاده‌ی برخی اشخاص بوده است تا به بهانه‌ی انطباق رفتار خود با نظر مرجع تقلید خود، نظم جامعه را بر هم نزنند. به عنوان مثال، فتوای مقام معظم رهبری در مسئله‌ی قمه‌زنی آن است که در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود و در هیچ حالتی جایز نیست.^۳ با وجود این، برخی افراد ممکن است به بهانه‌ی تبعیت از نظر یک فقیه، مرتکب این عمل شوند. بنابراین، اطلاق تبصره‌ی مزبور، از این جهت که در مقام رفع اختلاف میان کلیه‌ی احکام شرعی اعم از حکومتی و غیر حکومتی در اجتماع بوده و در این خصوص فتوای ولیّ امر را معیار حل این اختلافات قرار داده است، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده یک، اطلاق عبارت «عرف متشرّعه» نسبت به مواردی که شرعاً حکمی به عنوان اولی و ثانوی ندارد، خلاف موازین شرع شناخته شد. همچنین اطلاق تبصره آن، نسبت به غیر احکام حکومتی، خلاف موازین شرع است و واژه «اختلاف» در این مقام، وجهی ندارد.

ماده ۲- امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است.

دیدگاه مغایرت

از نظر فقهی، منظور از امر به معروف و نهی از منکر، الزام و اجبار فرد به انجام معروف و ترک محرمات است. در همین راستا حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله، صرف بیان احکام شرعی و آثار ترک محرمات را برای ادای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر کافی نمی‌داند.^۴ به عبارت دیگر، در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی، مولوی است حتی

^۳ «سؤال شماره (۱۴۶۰): در روز عاشورا مراسمی مانند قمه‌زنی و پابرنه وارد آتش و ذغال روشن شدن برگزار می‌شود که علاوه بر اینکه باعث بدنام شدن مذهب شیعه اثنی عشری در انظار علما و پیروان مذاهب اسلامی و مردم جهان می‌شود، ضررهای جسمی و روحی هم به این اشخاص وارد می‌کند و همچنین موجب توهین به مذهب می‌گردد. نظر شریف حضرت‌عالی در این باره چیست؟

جواب: هر کاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند و مخفی نیست که بیشتر این امور باعث بدنامی و وهن مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شود و این از بزرگترین ضررها و خسارت‌هاست.

سؤال شماره (۱۴۶۱): آیا قمه زدن به‌طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف حضرت‌عالی عمومیت دارد؟

جواب: قمه‌زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه (علیهم‌السلام) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم (علیه‌السلام) در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود. بنابراین، در هیچ حالتی جایز نیست.» (بخش استفتائات پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قابل مشاهده در نشانی زیر:

<http://farsi.khamenei.ir/treatise-index>

^۴ «لا یكفد سقوط الوجوب بیان الحكم الشرع اذ بیان مفاسد ترك الواجب وفعل الحرام، الا ان يفهم منه عرفاً ولو بالقرائن الأمر أو النهی أو حصل المقصود منهما، بل الظاهر كفاية فهم

الطرف منه الأمر أو النهی تقرينة خاصة وان لم يفهم العرف منه.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۲) «بیان کردن حکم شرعی یا بیان کردن مفاسد ترک نمودن واجب و انجام دادن حرام در سقوط کفایت نمی‌کند، مگر اینکه عرفاً از بیان آنها ولو با قرائن امر (به معروف) و یا نهی (از منکر) فهمیده شود یا مقصود از امر (به معروف) و نهی (از منکر) که انجام واجب و ترک منکر است، با بیان آنها حاصل

اگر امر و ناهی نسبت به تارک واجب و فاعل ناهی، در درجه‌ی پایین‌تری از شأن اجتماعی قرار داشته باشند.^۵ این در حالی است که در این ماده از عبارت «دعوت» استفاده شده است که با شرایط امر به معروف و نهی از منکر انطباق ندارد؛ زیرا از واژه‌ی «دعوت»، الزام تارک واجب و زجر و بازداشتن مرتکب حرام، برداشت نمی‌شود. لذا برای الزام تارک واجب باید از عبارت و واژگانی استفاده کرد که القاکننده‌ی معنای اجبار فرد به انجام واجب باشد. در غیر این صورت، محدود کردن معنای امر به معروف و نهی از منکر به «دعوت و نصیحت» افراد به انجام معروف و ترک منکر، مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه ابهام

از آنجا که در این ماده معلوم نیست «واو» میان دو عبارت «دعوت» و «واداشتن»، آیا واو عطف است و یا واو تفسیری، این ماده واجد ابهام است. توضیح آنکه در صورتی که منظور از «واو»، واو عطف باشد و در نتیجه، واژه‌ی «دعوت» مانند «واداشتن» بر الزام و اجبار افراد در امر به معروف و نهی از منکر دلالت کند، این ماده مغایرتی با موازین شرع ندارد؛ لیکن در صورتی که این «واو»، واو تفسیری باشد و «واداشتن» نیز به معنای دعوت باشد، آنگاه معنای عبارات مزبور ناظر بر الزام و اجبار افراد مطابق با شرایط امر به معروف و نهی از منکر نخواهد بود و از این جهت این ماده مغایر با موازین شرع خواهد بود. به همین خاطر حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله صرف بیان حکم شرعی که نوعی «دعوت» محسوب می‌شود را در سقوط تکلیف امر به معروف و نهی از منکر کافی نمی‌داند. بنابراین باید منظور از «واو» میان این دو واژه مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب قلبی، زبانی و عملی است. در این ماده هر دو عبارت «دعوت» و «واداشتن» بر الزام و اجبار تارک واجب دلالت دارد، لیکن منظور از «دعوت» یعنی الزام و اجبار افراد از طریق مرحله‌ی قلبی و زبانی و «واداشتن»، به معنای الزام اشخاص در مرحله‌ی عملی است. ضمن اینکه آیه (۱۰۴) سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، بر «دعوت» برخی از مؤمنین به خیر تأکید می‌کند و دعوت دیگران به امور خیر از مصادیق امر به معروف شمرده شده است.^۶ بنابراین، استفاده از واژگان «دعوت» و «واداشتن» در امر به معروف و نهی از منکر، مطابق با موازین شرعی است و با اشکال و ابهامی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

شود. بلکه ظاهر آن است که اگر به خاطر قرینه‌ی خاصی طرف از بیان آنها امر (به معروف) و نهی (از منکر) را بفهمد کفایت می‌کند، اگرچه عرف از آن نفهمد.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۲، ص ۲۹۱)

^۵ «الأمر والنهه فهدا الباب مولوي من قبل الأمر والنهه ولو كانا سافلين، فلا يكتنف فيهما أن يقول: إن الله أمرک بالصلاة أو نهاك عن شرب الخمر إلا أن يحصل المطلوب منهما، بل لا بد و

أن يقول: صل مثلنا أو لا تشرب الخمر ونحوهما مما يفيد الأمر والنهه من قبله.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۵) «امر و نهی در این باب از امر و ناهی مولویت دارد که باید دستور به انجام واجب و ترک حرام بدهد، ولو اینکه در مرتبه‌ی پایین باشند. پس در آنها کفایت نمی‌کند اینکه بگوید: به درستی که خدا تو را به نماز فرمان داده یا تو را از خوردن شراب نهی کرده است؛ مگر اینکه مقصود از امر به معروف و نهی از منکر با آن حاصل شود، بلکه لابد است اینکه بگوید: مثلاً نماز بخوان، یا شراب نخور، و مانند اینها از جملاتی که مفید امر کردن و نهی نمودن از جانب وی می‌باشد.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۲، ص ۲۹۱)

^۶ سوره‌ی آل عمران، آیه (۱۰۴): «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و آنها همان رستگارانند.» (قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و اقدام عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و اقدام عملی آن تنها وظیفه دولت است، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) مستفاد از فتوای بسیاری از فقها از جمله حضرت امام خمینی (ره)^۷ و آیت‌الله خوئی (ره)^۸، آن است که مرتبه‌ی قلبی امر به معروف و نهی از منکر باید همراه با رفتاری باشد که نشان از عدم رضایت قلبی آمر و ناهی از ترک واجبات و یا انجام محرمات دارد؛ مانند اخم کردن، عصبانی شدن، روی برگرداندن و یا ترک مراد. به عبارت دیگر، در مرتبه‌ی قلبی انسان باید انزجار قلبی خود را به نحوی اظهار کند. این در حالی است که این ماده در مرتبه‌ی قلبی، به لزوم رفتاری که نشان از عدم رضایت قلبی آمر و ناهی است اشاره‌ای نکرده است. لذا ممکن است چنین برداشت شود که صرف انزجار قلبی از ارتکاب منکر در مرتبه‌ی قلبی کافی است. بنابراین، از آنجا که مرتبه‌ی قلبی در این ماده با مراتب امر به معروف و نهی از منکر در متون فقهی مطابقت ندارد، این ماده مغایر با موازین شرعی است.

ب) قانون باید به‌گونه‌ای نوشته شود که قابلیت اجرایی داشته و معیارهای آن مشخص و معین باشد. لذا مرتبه‌ی قلبی یک موضوع قابل اجرا و با معیار مشخص و معین نیست که بخواهیم آن را از طریق قانون اعمال کنیم. به عبارت دیگر، انزجار قلبی از ارتکاب منکر و یا داشتن وجد برای معروف، یک امر تربیتی و نفسانی است که هر فرد مسلمان باید ملتزم به آن باشد تا نسبت به معارف و منکرات بی تفاوت نباشد. لذا مرتبه‌ی قلبی یک موضوع اخلاقی و تربیتی بوده و نمی‌توان الزام آن را از طریق قانون از مردم خواست. بنابراین، نیازی به ذکر مرتبه‌ی قلبی در این ماده نیست و باید حذف شود.

ج) بر اساس موازین شرع، دولت و حاکمیت در همه‌ی شرایط، در تمامی مراتب امر به معروف و نهی از منکر از جمله مرتبه‌ی عملی، وظیفه دارد. با وجود این، قسمت اخیر این ماده وظیفه‌ی اقدام عملی در فرضیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را تنها بر عهده‌ی دولت دانسته و سپس بیان داشته است: «مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشد». این در حالی است که اقدام عملی در همه‌ی شرایط بر عهده‌ی دولت است و نمی‌توان حتی از طریق قانون این وظیفه را در مواردی از او ساقط کرد، هر چند که دولت می‌تواند در برخی از موارد و با تجویز قانون به آحاد مردم اذن دهد که وظیفه‌ی اقدام عملی را انجام دهند. لذا از آنجا که استثنای ذیل این ماده به معنای امکان برداشته شدن وظیفه‌ی دولت در انجام مرتبه‌ی اقدام عملی از طریق قانون است، این ماده با اشکال مواجه است.

د) مطابق با موازین شرع، انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب سه‌گانه‌ی انزجار قلبی، زبانی و عملی است که انجام این مراتب برای هر مسلمانی با وجود سایر شرایط، واجب کفایی است. ماده‌ی مزبور مراتب قلبی، زبانی و نوشتاری را بر عهده‌ی مردم دانسته و لیکن مرتبه‌ی اقدام عملی را تنها وظیفه‌ی دولت قلمداد کرده است. لذا از آنجا که این ماده انجام مرتبه‌ی عملی را تنها بر عهده‌ی دولت قرار داده و مردم را از انجام مرحله‌ی عملی منع و محدود کرده است، مغایر با موازین شرع است. گفتنی است این استدلال که قانون‌گذار به استناد اصل (۸) قانون اساسی می‌تواند شرایط شرعی نهاد امر به معروف و نهی از منکر

۷. «أن يعمل عماد يظهر منه انزجاره القلب عن المنكر، وأنه طلب منه بذل فعل المعروف وترك المنكر، وله درجات: كتمض العين، والعبوس والإنقباض فدا الوجه، وكالإعراض بوجهه وأبدنه، وهجره وترك مرادته ونحو ذلك.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۷۶) «مرتبه‌ی اول این است که کاری انجام بدهد که از آن ناراحتی قلبی او از منکر آشکار گردد و اینکه از او می‌خواهد که معروف را انجام داده و منکر را ترک نماید، و برای آن درجاتی است: مانند بر هم نهادن چشم و عبوسی و گرفتن صورت، و مانند روگرداندن یا پشت کردن به او و از او کنار کشیدن و ترک رابطه با او و مانند آن.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۴۲۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۱۲)

۸. «لأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مراتب: الأولى: الإنكار بالقلب، بمعنى اظهار كراهة المنكر، أو ترك المعروف، أما بإظهار الانزعاج من الفاعل، أو الأعراس والصد عنه، أو ترك الكلام معه، أو نحو ذلك من فعل أو ترك يدل على كراهة ما وقع منه.» (موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه‌العلم، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۵۲)

را تحدید کند، قابل پذیرش نیست؛ زیرا مطابق با اصل (۴) قانون اساسی، قوانین و مقررات نباید مغایر با موازین شرع باشد. بنابراین، در صورتی که این قانون، شرایط شرعی را تحدید کند، طبق اصل (۴) قانون اساسی مغایر با شرع خواهد بود.

ه) ذیل این ماده، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر را تنها وظیفه‌ی دولت دانسته است. ذکر قید «تنها»، مفید این معناست که حتی دولت نمی‌تواند در برخی از موارد این وظیفه را به مردم واگذار کند، حال آنکه از لحاظ شرعی در شرایطی، حضور مردم در مرحله‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر، حتی اگر قانون مستثنی کرده باشد، ضروری است. مطابق با فتوای حضرت امام خمینی(ره)، یکی از مصادیق این موارد، دفاع از جان و نفس محترمه‌ی دیگری است.^۹ برای رفع این اشکال لازم است که قید «مگر در مواردی که توسط به دولت برای رفع منکر یا برای اعمال معروف ممکن نباشد»، به این ماده اضافه شود. گفتنی است که منظور از «اقدام عملی» در این ماده، اقداماتی برای وادار کردن تارک معروف به انجام واجبات و ممانعت از ارتکاب منکر توسط فاعل آن است. بنابراین، این استدلال که چون منظور از «اقدام عملی»، اجرای مجازات و اعمال حکم بر تارکان معروف و فاعلان منکر است، این مرتبه باید تنها بر عهده‌ی دولت باشد، قابل پذیرش نیست.

و) هر چند قانون‌گذار در ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^{۱۰} برخی موارد مانند دفاع از جان و مال و ناموس در مقابل متجاوز را تجویز کرده است، لیکن برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که از مصادیق ماده‌ی مذکور نیستند و در شرایطی ارتکاب می‌یابند که حضور دولت یا مقامات انتظامی امکان‌پذیر نیست. از لحاظ شرعی مردم می‌توانند در این‌گونه شرایط اقدام عملی کنند، در حالی که ماده (۴) این مصوبه چنین اجازه‌ای را نداده است. ضمن اینکه امر به معروف و نهی از منکر امری واجب است، لیکن ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی دفاع مشروع را امری جایز دانسته است نه واجب و این مصوبه نیز امر به معروف و نهی از منکر را تنها از سوی دولت واجب دانسته است و برای مردم جایز دانسته است. بنابراین، در این ماده انحصار وجوب اقدام عملی به دولت دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) همان‌طور که در متون فقهی آمده است، منظور از مرتبه‌ی قلبی در امر به معروف و نهی از منکر، انجام رفتاری است که

۹. «لو كان المنكر مما لا يرضى المولى بوجوده مطلقاً قتل النفس المحترمة جاز بل وجب الدفع و لو انجر الى جرح الفاعل أو قتله، فيجب الدفاع عن النفس المحترمة بجرح الفاعل أو قتله لو لم يمكن بغير ذلك من غير احتياج إلى إذن الامام عليه السلام أو الفقيه مع حصول الشرائط، فلو هجم شخص على آخر ليقتله وجب دفعه و لو بقتله مع الأمن من الفساد و ليس على القاتل حينئذ شيء.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۱) «بنابراین دفاع نمودن از نفس محترمه با جرح فاعل یا قتل او- در صورتی که به غیر آن ممکن نباشد- واجب است بدون اینکه با حصول شرایط احتیاج به اذن امام (علیهم‌السلام) یا فقیه باشد. بنابراین اگر شخصی به دیگری هجوم بیاورد تا او را بکشد، جلو او را گرفتن- و لو به اینکه شخص مهاجم کشته شود- در صورتی که ایمن از فساد باشد، واجب است، و در این صورت بر قاتل چیزی نیست.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۴۲۵هـ.ق، ج ۲، ص ۳۲۱)

۱۰. ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۶- هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب- دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع‌کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.

تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.»

نشان از انزجار درونی امر یا ناهی است. بنابراین، هر جا از مرتبه‌ی قلبی بحث می‌شود، همراه خود آن معنای فقهی خود را نیز به همراه دارد و به یک رفتار و عمل دارای نمود بیرونی و خارجی تعریف می‌شود. در این ماده نیز قانون‌گذار مرتبه‌ی قلبی را به‌عنوان یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر به رسمیت شناخته است لذا قهراً رفتاری که حاکی از آن مرتبه باشد را نیز لازم دانسته است و نیازی نبوده است که در قانون به نوع رفتاری که بیانگر انزجار قلبی است تصریح شود؛ زیرا تفصیل این رفتارها در شرع مقدس آمده است و بالتبع بر همان اساس عمل می‌شود. بنابراین، عدم تصریح این ماده به رفتاری که حاکی از مرتبه‌ی قلبی است به معنای آن نیست که قانون‌گذار صرف انزجار قلبی از ارتکاب منکر را در مرتبه‌ی قلبی کافی دانسته است. لذا ذکر مرتبه‌ی قلبی در این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) در صورتی که مرتبه‌ی قلبی امر به معروف صرفاً به معنای انزجار درونی تفسیر شود شاید بتوان گفت نیازی به ذکر این مرتبه در قانون نبوده است، لیکن از نظر شرعی، مراد از این مرتبه، صرف انزجار درونی نیست، بلکه این انزجار درونی باید همراه با رفتاری باشد که حاکی از آن انزجار قلبی باشد. از این رو، از آنجا که در این مرتبه باید رفتار مشخصی از امر یا ناهی ظاهر شود، تصریح به این مرتبه در این مصوبه با اشکالی مواجه نیست.

ج) عبارت «مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشد» در ذیل این ماده، استثنای در انحصار وظیفه‌ی اقدام عملی در مراتب امر به معروف و نهی از منکر توسط دولت است. به عبارت دیگر، منظور از این عبارت آن است که در مواردی که قانون اجازه می‌دهد در کنار دولت، مردم و یا نهاد دیگری نیز می‌تواند مرتبه‌ی اقدام عملی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد و این استثنا به معنای نفی وظیفه‌ی دولت در اعمال مرتبه‌ی سوم فرضیه امر به معروف و نهی از منکر نیست. بنابراین، از آنجا که استثنای ذیل این ماده وظیفه‌ی دولت در ادای مرتبه‌ی سوم امر به معروف و نهی از منکر را به هیچ‌گونه عنوان نفی نکرده است، این ماده با اشکالی مواجه نیست.

د) مطابق با فتوای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مواقعی که حکومت اسلامی تشکیل یافته است، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر تنها بر عهده‌ی دولت است.^{۱۱} بر همین مبنا این مصوبه نیز برای جلوگیری از هرج و مرج و اختلال در نظم عمومی، در اجرای مرتبه‌ی عملی در امر به معروف و نهی از منکر، تنها دولت را صالح به انجام این مرتبه دانسته است. البته قانون‌گذار در این ماده با ذکر عبارت «مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشد»، به دولت اجازه داده است که در مواردی که نیاز به حضور مردم در مرحله‌ی عملی باشد، مطابق با قانون، مردم هم بتوانند در این مرتبه مشارکت داشته باشند. یکی از مصادیق این مورد دفاع از عرض، جان، مال و ناموس دیگری است که قانون‌گذار در ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با رعایت شرایطی مانند عدم دسترسی به مقامات انتظامی آن را تجویز کرده است. لذا این ماده در مقام تحدید و استثنای کامل تکلیف آحاد مردم در مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر نیست و از این جهت مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ه) منظور از «اقدام عملی» در این ماده، محاکمه و اجرای مجازات است که این موضوع مطابق با موازین شرع تنها بر عهده‌ی

^{۱۱} سؤال شماره (۱۰۶۴): «آیا وظیفه‌ی افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ و اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آنچه در رساله‌های عملیه به‌خصوص تحریرالوسیله آمده است منافات دارد، و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم برای افراد در موارد لزوم جایز باشد، آیا در صورت نیاز می‌توان همه‌ی موارد مذکور در تحریرالوسیله را انجام داد؟ پاسخ: با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان دیگر مراتب امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه‌ی قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی‌ربط در نیروی انتظامی و قوه‌ی قضائیه ارجاع دهند، و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل (قدس سره) در این رابطه ندارد، ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.» (بخش استفتائات پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قابل مشاهده در نشانی زیر: <http://farsi.khamenei.ir/treatise-index>).

حاکم و حکومت اسلامی است. لذا حکم مقرر در ذیل این ماده مبنی بر انحصار وظیفه‌ی اقدام عملی به نیروهای انتظامی و دولت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

و) مطابق با شرع، امر به معروف و نهی از منکر بر عموم مردم واجب است. در همین راستا قانون‌گذار اساسی در اصل (۸) امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ی همه‌ی مردم دانسته است، لیکن تعیین حدود و شرایط آن را به «قانون» واگذار کرده است. اکنون نیز این مصوبه به استناد اصل (۸) قانون اساسی در مقام تعیین حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر اشعار می‌دارد که مردم تنها اجازه‌ی انجام مراتب زبانی و نوشتاری را دارند و اقدام عملی در این خصوص بر عهده‌ی نیروی انتظامی است. بنابراین، از آنجا که این ماده نافی وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست، بلکه شرایط و حدود آن را بر اساس تجویز قانون اساسی بیان کرده است، با اشکالی مواجه نیست.

دیدگاه ابهام

در این ماده، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر بر عهده‌ی دولت گذاشته شده است، لیکن در این خصوص که دولت نسبت به چه مقدار از دامنه‌ی واجبات و یا محرمات وظیفه‌ی اقدام عملی دارد، واجد ابهام است. از این رو، معلوم نیست آیا دولت نسبت به ترک واجباتی مانند نماز و یا انجام محرماتی مانند غیبت کردن نیز باید اقدام عملی انجام دهد و یا اینکه وظیفه‌ی دولت تنها نسبت به واجبات و محرماتی است که در قانون ترک و فعل آنها جرم‌انگاری شده است؛ چه اینکه در صورتی که محدوده‌ی موسعی از واجبات و محرمات مد نظر قانون‌گذار باشد، این ماده دارای اشکال خواهد بود. بنابراین، باید محدوده‌ی وظیفه‌ی دولت در مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۴)، عبارت «اقدام عملی» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر به حکم مرجع قضایی یا به موجب قانون.
تبصره- اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.

دیدگاه مغایرت

الف) در این ماده، تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل، حریم خصوصی و حقوق اشخاص بر اساس حکم مرجع قضایی و یا حکم قانون جایز دانسته شده است. در واقع، طبق این ماده، حکم مرجع قضایی قسیم قانون در این تجویز قرار گرفته است. این در حالی است که طبق اصل (۲۲) قانون اساسی، تعرض به موارد مذکور تنها «در مواردی که قانون تجویز کند» مجاز است، لذا حکم مرجع قضایی نیز باید به موجب قانون صادر شود. بنابراین، از آنجا که این ماده، حکم مرجع قضایی را در کنار «قانون» به عنوان منبع مستقل تجویز تعرض به موارد موضوع این ماده دانسته است، این ماده در مواردی که حکم مرجع قضایی مطابق با قانون یا شرع نیست، خلاف موازین شرع و اصل (۲۲) قانون اساسی است.

ب) در برخی از موارد برای اینکه احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر داده شود، امر یا ناهی باید در مرحله‌ی زبانی از شدت و غلظت قول استفاده کند که این امر گاه مستلزم هتک حیثیت و شأن فاعل منکر یا تارک معروف است؛ مانند اینکه با فریاد و صدای بلند امر به معروف و نهی از منکر کند. این در حالی است که این ماده به صورت مطلق، تعرض به حیثیت و شغل افراد را منوط به اجازه‌ی قانون یا حکم مرجع قضایی کرده است. بنابراین، اطلاق این ماده در مواردی که تأثیرگذاری امر به معروف و نهی

از منکر منوط به غلظت در قول یا تهدید زبانی باشد، دارای اشکال است.

ج) در این ماده، تعرّض به شغل افراد در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به طور مطلق ممنوع اعلام شده است. بر این اساس، چنانچه کارگر یا کارمندی اهل محرّمات باشد و امر و نهی زبانی فایده نکند، طبق این اطلاق ماده، کارفرما نمی‌تواند او را اخراج کند، زیرا تعرّض به شغل محسوب می‌شود. این در حالی است که در این موارد، اگر تنها راه جلوگیری از منکر، اخراج کارگر باشد، از نظر شرعی اخراج وی فاقد اشکال است. بنابراین، اطلاق حکم این ماده که به معنای عدم امکان اخراج فاعل منکر از شغل است، مغایر با موازین شرع است.

د) با توجه به استفاده از عبارت ربطی «و نیز» در تبصره‌ی این ماده، قید «بدون تجسّس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند»، تنها شامل اماکن می‌شود. این بدین معنا است که قانون‌گذار در این تبصره، وسایل نقلیه را به صورت مطلق به عنوان حریم عمومی در نظر گرفته است، حال آنکه این اطلاق در مواردی که وسیله‌ی نقلیه جزء حریم خصوصی است، به گونه‌ای که در معرض عموم قرار نمی‌گیرد، مانند کاروان‌های مسافرتی که به خودروها متصل هستند، خلاف موازین شرع است؛ زیرا این بخش از وسایل نقلیه چون در معرض دید عموم قرار نمی‌گیرند، مشمول حریم خصوصی افراد می‌شوند. بنابراین، اطلاق حکم این تبصره نسبت به «وسایل نقلیه» از آن جهت که کلیه‌ی وسایل نقلیه را حریم عمومی تلقی کرده است، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) از آنجا که در قوانین و مقررات مربوط، شرایط و ضوابط صدور حکم توسط مرجع قضایی بیان شده است،^{۱۲} در این ماده نیز فرض قانون‌گذار آن بوده است که حکم مرجع قضایی باید بر اساس قانون و مقررات مربوط صادر شده باشد. به عبارت دیگر، عبارت «حکم مرجع قضایی» حمل بر معنای حقیقی آن می‌شود و لذا زمانی این حکم درست و معتبر است که مطابق با قانون و از سوی مرجع صالح صادر شده باشد. بنابراین، در این ماده حکم مرجع قضایی، اطلاق ندارد، بلکه منصرف به حکمی است که مطابق با قوانین و از سوی مقام قضایی صالح صادره شده است. بنابراین، قرار گرفتن عبارت «حکم مرجع قضایی» در کنار عبارت «قانون»، مغایرتی با اصل (۲۲) قانون اساسی و موازین شرع ندارد.

ب) آنچه در شرع برای انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اجازه داده شده است، صرف امر و نهی است و تعرّض به حیثیت افراد به معنای تجاوز از امر و نهی است که مورد نظر شارع بوده است. به عبارت دیگر، شعاع دایره‌ی اجازه‌ی شارع برای انجام این فریضه شامل تعرّض به حیثیت افراد نیست، بلکه امر به معروف و نهی از منکر باید به نحوی باشد که حیثیت افراد مورد تعرّض قرار نگیرد. بر همین مبنا، قانون‌گذار در ماده (۶) همین مصوبه اشعار داشته است که هیچ کس در مقام امر به معروف و نهی از منکر، حق ندارد مرتکب اعمال مجرمانه مانند توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل شود. لذا این استدلال که انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در شرایطی مستلزم هتک حیثیت افراد است، قابل پذیرش نیست. بر این اساس، اطلاق حکم مقرر در این ماده مبنی بر عدم جواز تعرّض به حیثیت افراد در مقام امر به معروف و نهی از منکر - جز در مواردی که قانون یا مرجع قضایی صلاح دانسته است - با اشکالی مواجه نیست.

ج) این ماده در مقام بیان رابطه‌ی کارگری و کارفرمایی نیست که امکان تعرّض به شغل کارگر و اخراج وی وجود نداشته باشد؛ زیرا با وجود عبارت «به موجب قانون» در انتهای این ماده، کارفرما می‌تواند در صورت تخلف کارگر یا کارمند، وی را اخراج کند. به عبارت دیگر، این ماده درصدد بیان این نکته است که آمران به معروف و ناهیان از منکر نمی‌توانند در راستای اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع کسب و اشتغال مردم شوند و به طور مثال، در مقابل مغازه‌ی فردی که منکری را انجام داده است مانع ایجاد کرده و در کسب و کار وی اختلال ایجاد کنند. بنابراین، از آنجا که این ماده به معنای عدم امکان اخراج فاعل منکر از شغل وی نیست، نمی‌توان آن را مغایر با موازین شرع دانست.

^{۱۲} به عنوان مثال، ماده (۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مجلس شورای اسلامی در این خصوص چنین مقرر کرده است: «ماده ۴ - ... هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست ...»

د) نمی‌توان از عبارت «و نیز» در این تبصره چنین برداشت کرد که قانون‌گذار قید «در معرض دید عموم قرار نمی‌گیرد» را تنها برای اماکن لازم دانسته است نه وسایل نقلیه؛ زیرا دلیل ذکر عبارت «و نیز» در این تبصره آن است که اطلاق واژه‌ی «اماکن» به وسایل نقلیه صحیح نبوده است. لذا برای آنکه وسیله‌ی نقلیه، مکان تلقی نشود از حرف ربطی «و نیز» استفاده شده است. بنابراین، در این تبصره عبارت «وسایل نقلیه» اطلاق ندارد، بلکه برای شناسایی حریم خصوصی، مقید به قید «در معرض دید عموم قرار نمی‌گیرد» شده است. بر این اساس، تبصره‌ی ماده (۵) از این جهت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۵)، حکم مرجع قضایی هم باید به موجب قانون باشد و آلا اشکال دارد.

ماده ۶- هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مطابق با این ماده، به طور مطلق هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به دیگری توهین کند. این در حالی است که بر اساس موازین شرع در برخی از موارد در راستای امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان نسبت به تارک معروف و عامل منکر، از توهین و استخفاف و تحقیر استفاده کرد.^{۱۳} از جمله‌ی این موارد آن است که شخص، متظاهر به فسق بوده و به صورت علنی مرتکب عمل حرامی شود و یا اینکه اهل بدعت باشد.^{۱۴} حتی عده‌ای از فقها در صورت تحقق دیگر شرایط نهی از منکر، تحقیر و تخفیف متظاهر به گناه را واجب دانسته‌اند.^{۱۵} بنابراین، اطلاق حکم مقرر در این ماده مبنی بر ممنوعیت توهین در مواردی که شرع توهین را جایز دانسته، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هر چند که مطابق با موازین شرع، در برخی از موارد می‌توان نسبت به شخص متظاهر به فسق از استخفاف و توهین استفاده کرد، لیکن قانون‌گذار به موجب این ماده، مصلحت را در آن دانسته است که توهین به افراد حتی اشخاص فاسق نیز باید با اجازه‌ی

^{۱۳}. «لا يجوز اشغاف الإنكار بما يحرم ويكر كالسب والكذب والإهانة، نعم لو كان المنكر مما يهتّم به الشارع ولا يرضى بحصوله مطلقاً قتل النفس المحترمة وارتكاب القبائح والكبائر الموبقة جاز، بل وجب المنع والدفع ولو مع استلزامه ما ذكر لو توقف المنع عليه.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۸) «جایز نیست که انکار را همراه با حرام و منکر نماید، مانند ناسزا و دروغ و اهانت، ولی اگر منکر از مواردی باشد که شارع مقدس به آن اهتمام دارد و در هر حال راضی به حصول آن نمی‌باشد مانند قتل نفس محترم و ارتکاب زشتی‌ها و کبائر مهلکه، جایز می‌باشد، بلکه جلوگیری و دفع آن واجب است ولو اینکه مستلزم مانند آنچه ذکر شد (دروغ و اهانت و...) باشد، در صورتی که منع آن متوقف بر اینها باشد.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه‌ی علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و یکم، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۲، ص ۳۱۵)

^{۱۴}. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرِّيبِ وَابْتَدَعَ مِنْ بَعْضِهِمْ فَاظْهَرُوا الْبُرْءَةَ مِنْهُمْ وَانْكَبُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالتَّقْوَلُ فِيهِمْ وَالتَّوْبِيعَةُ وَبَاهْتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِيهِ الْإِسْلَامَ وَيَحْذَرُهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَدَّوْا مِنْ بَعْضِهِمْ يَكْتَبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهَا الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ.» (كلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الكافي، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۲، ص ۳۷۵)

^{۱۵}. «لو كان المقول له مستحقاً للاستخفاف لكرر أو ابتداء أو تجاهر بفسق فلا حد ولا تعزير بل خلاف، بل عن الغيبة الإجماع عليه، بل ولا اشكال، بل يترتب له الأجر على ذلك، فقد ورد أن من تمام العبادة الوقیعة فد أهل الریب، و... الی غیر ذلك مما هو دال علی ذلك و ان لم یکن من النهی عن المنکر، بل هو ظاهر الفتاوی أيضاً بل قد یترتب التعزیر علی تارک ذلك اذا كان قد مقام الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر الواجبین علیه، لوصول الشروط.» (نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۴۱، ص ۴۱۲)

قانون باشد. بنابراین، اطلاق ممنوعیت توهین در این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) مطابق با موازین شرع اگر تأثیر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر توهین باشد، این عمل از جهت شرعی جایز است و اساساً جرم محسوب نمی‌شود. با این توضیح معلوم می‌شود قانون‌گذار در این ماده در مقام ممنوعیت توهین حتی در جایی که تأثیر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر توهین باشد نبوده است؛ زیرا در این ماده از عبارت «اعمال مجرمانه» استفاده کرده است و از آنجا که توهین در مقام نهی از منکر جرم نیست، می‌توان چنین نتیجه گرفت که توهین در این مقام تخصصاً از این ماده خارج است. بنابراین، نمی‌توان گفت این ماده توهین را به طور مطلق ممنوع کرده و آن را از این حیث واجد اشکال دانست.

ج) در این ماده ارتکاب اعمال مجرمانه از جمله توهین ممنوع شده است. مطابق با اصول حقوق جزای عمومی، یکی از شرایط اثبات جرم، احراز سوء نیت مرتکب در عمل ارتكابی است. شخصی که در مقام امر به معروف و نهی از منکر، مرتکب توهین می‌شود، فاقد سوء نیت مجرمانه است؛ زیرا چنین شخصی به قصد انجام امر به معروف و نهی از منکر، اقدام به توهین کرده است. لذا توهین در مقام امر به معروف و نهی از منکر، اساساً عمل مجرمانه نیست و از شمول این ماده موضوعاً خارج است. بنابراین، از آنجا که اطلاق ممنوعیت توهین در این ماده منصرف از جایی است که توهین در مقام نهی از منکر واقع شده است، ماده‌ی مزبور مغایرتی با موازین شرع ندارد.

دیدگاه ابهام

در این ماده، ارتکاب اعمال مجرمانه از قبیل توهین در مقام امر به معروف و نهی از منکر ممنوع شده است. این در حالی است که مطابق با موازین شرع اگر تأثیر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر ارتکاب توهین باشد، توهین از جهت شرعی جایز است و جرم محسوب نمی‌شود. با این توضیح از آنجا که در این ماده معلوم نیست آیا منظور از «عبارت اعمال مجرمانه از قبیل توهین»، توهین در مقام امر به معروف و نهی از منکر را نیز شامل می‌شود و یا اینکه مجرمانه بودن، منصرف از توهین در مقام امر به معروف و نهی از منکر است، این ماده دارای ابهام است. در صورتی که منظور از این عبارت، ممنوعیت توهین حتی در جایی که تأثیر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر توهین است باشد، این ماده مغایر با موازین شرع است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۶)، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

ماده ۷- مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تعویق، تخفیف و یا تعلیق نیست.

تبصره- چنانچه مجنی‌علیه یا اولیای دم از حق خود گذشت نمایند، جنبه عمومی جرم حسب مورد مطابق ماده (۶۱۴) از کتاب پنجم - تعزیرات-^{۱۶} و تبصره ماده (۲۸۶) از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ رسیدگی می‌شود.

^{۱۶} ماده (۶۱۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲: «ماده ۶۱۴- هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضو یا اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اختلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود. تبصره- ...»

^{۱۷} ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۸۶- هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به‌گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی، یکی از وظایف و اهداف دولت «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» است. همچنین بند (۱۴) همین اصل نیز بر تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد و تساوی عموم در برابر قانون، تأکید می‌کند. ماده (۷) این مصوبه، به صورت مطلق مجازات کسانی که نسبت به آمر و یا ناهی از منکر مرتکب جرم شده‌اند را قابل تخفیف ندانسته است. این در حالی است که در برخی از مواقع اقدام آمر و یا ناهی به نحوی است که باعث تحریک مرتکب می‌شود به گونه‌ای که هر شخص دیگری که در آن جایگاه قرار می‌گرفت ممکن بود نسبت به آمر و یا ناهی مرتکب جرم شود. در این موارد عدالت قضایی ایجاب می‌کند مطابق با شرایط، مجازات مرتکب نیز مشمول تخفیف قرار گیرد. بنابراین، اطلاق ممنوعیت تخفیف مجازات نسبت به مواردی که عدالت قضایی ایجاب می‌کند مرتکب مستحق تخفیف باشد، مغایر با بندهای (۳) و (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی است.

ب) مطابق با موازین شرعی، قاضی در تعزیرات، اختیار تعیین مجازات و همچنین تخفیف و عفو مجازات مرتکب را دارد و به طور کلی، مجازات را بر اساس شرایط مرتکب تعیین می‌کند.^{۱۸} به همین خاطر قانون‌گذار برای اینکه قاضی بتواند چنین اختیاری را اعمال کند، مجازات جرائم تعزیری را به صورت حداقل و حداکثر بیان کرده است. بنابراین، اطلاق ممنوعیت تخفیف، عفو، تعلیق و ... در ذیل این ماده، نسبت به جرائمی که قاضی دادگاه، مطابق با موازین شرع، اختیار تخفیف، عفو یا تعلیق مجازات را دارد، مغایر با موازین شرع است. البته قانون‌گذار برخی از جرائم مانند قتل و ضرب و جرح را مشمول این ممنوعیت کرده است که این ممنوعیت موردی و تنها نسبت به یک یا چند جرم خاص است که مصلحت عمومی چنین حکمی را ایجاب می‌کرده است و از این جهت مغایرتی با موازین شرع ندارد، لیکن توسعه‌ی مطلق و شمول این ممنوعیت نسبت به «همه جرائمی» که شخص در مقابل آمر و یا ناهی مرتکب می‌شود، مطابق مصلحت جامعه نخواهد بود.

دیدگاه ابهام

الف) مطابق با موازین شرع، حاکم اسلامی دارای اختیارات شرعی از جمله عفو و تخفیف محکومان است که این وظیفه مهم در بند (۱۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی نیز بیان شده است. عبارت «قابل تعویق، تخفیف و یا تعلیق نیست» در ماده‌ی مزبور، از این جهت که مشخص نیست که آیا مرجع صالح برای صدور این حکم، قضات محاکم دادگستری هستند و یا شامل حاکم اسلامی نیز می‌شود، واجد ابهام است. در صورتی که حکم مزبور، اطلاق داشته و تعویق، تخفیف و یا تعلیق از سوی حاکم اسلامی را نیز در خصوص مورد، ممنوع کرده باشد، خلاف موازین شرع و مغایر با اختیارات شرعی ولی فقیه مصرح در بند (۱۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است. لذا باید مرجع صالح در خصوص صدور حکم ماده (۷) مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی اظهار نظر کرد.

ب) مطابق با ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی،^{۱۹} موضوع «تعویق» تنها در مورد صدور حکم آمده است نه برای مجازات. این

به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.»

^{۱۸} «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ مَعْقِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ التَّغْيِيرِ؟ قَالَ: دُونَ الْإِحْدِثِ قَالَ قُلْتُ دُونَ تَمَائِنِ قَالَ قُلْتُ لَوْ كُنَّ دُونَ التَّغْيِيرِ فَإِنَّهُ حُدَّ أَلَمْ يَلُوكِ قَالَ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ قَالَ عَلِيُّ قَدْرًا يَرَى الْوَالِدَ مِنْ دُنْبِ الرَّجُلِ وَقُوَّةَ بَدَنِهِ.» (كليني، ابوجعفر محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ اول، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۴۲)

^{۱۹} ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۷- صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

در حالی است که در ماده (۷) قانون‌گذار این موضوع را برای مجازات پیش‌بینی کرده است. بنابراین، از آنجا که منظور از تعویق در این ماده، تعویق صدور حکم است و نه تعویق مجازات، این ماده باید اصلاح شود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به سیاق این ماده که ناظر به مرحله‌ی صدور حکم است، حکم مقرر در ذیل ماده (۷) مبنی بر عدم قابلیت تعویق، تخفیف و تعلیق مجازات منصرف به اختیارات قضات محاکم دادگستری است و مخاطب آن حاکم اسلامی نیست که طبق بند (۱۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی دارای اختیار عفو محکومان است. بنابراین، این ماده در مقام تحدید صلاحیت حاکم اسلامی در رابطه با عفو محکومان نبوده و با ابهام و اشکالی مواجه نیست.

ب) همان‌طور که قانون‌گذار در بسیاری از قوانین در مورد برخی از جرائم از جمله قتل و ضرب و جرح و یا جرائم اقتصادی بنا بر مصالحی، حکم به ممنوعیت تخفیف یا تعلیق مجازات کرده است و شورای نگهبان نیز آن موارد را مغایر با موازین شرع ندانسته است، در این ماده نیز قانون‌گذار به منظور عدم تجرّی کسانی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر می‌کنند و نیز در راستای تعطیل نشدن فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به دلیل خوف از اقدام مجرمانه‌ی طرف مقابل، مجازات این افراد را قابل تعلیق و تخفیف ندانسته است. بنابراین، حکم به ممنوعیت تخفیف یا تعلیق مجازات در این ماده بر اساس مصلحت معقول و قابل دفاعی بوده است و از این جهت، با اشکالی مواجه نیست.

ج) از آن جهت که در حال حاضر اکثر قضات، دارای شرایط شرعی لازم برای قضاوت شرعی (مانند اجتهاد) نیستند و قضاتی که هم‌اکنون در نظام قضایی متصدّی امر قضا هستند، مأذون و منصوب از ناحیه‌ی حاکم اسلامی هستند، این قضات باید در حدود و اختیاراتی که حاکم اسلامی به آنها داده است، قضاوت کنند. مصداق بارز اذن حاکم اسلامی، همین قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است. حال در ماده (۷) این مصوبه، قانون‌گذار حدود اختیار قضات مأذون را در خصوص مجازات جرائمی که علیه آمر و ناهی ارتکاب می‌یابند، محدود کرده است. بنابراین، از آن جهت که قانون حدود اختیارات قضات منصوب را تعیین می‌کند، تصویب ماده‌ی مزبور از جهت محدود کردن اختیارات قضات در اعمال تخفیف و یا تعلیق مجازات، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

تذکر: در ماده (۷)، متعلّق تعویق، صدور حکم است نه مجازات که باید اصلاح شود.

ماده ۸- مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، نقد علنی و غیر علنی در مورد عملکرد دولت برخوردارند و می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزاء حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند و موارد ذیل نیز از جمله مصادیق معروف و منکر است:

الف- حفظ بیت‌المال و اموال عمومی

ب- انضباط اداری و مالی

ب- جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشاء

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال.»

پ- تکریم ارباب رجوع
ت- فساد اداری، مالی و یا اقتصادی
ث- تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری

دیدگاه مغایرت

الف) اگرچه طبق اصل (۸) قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی دانسته شده است، لیکن برای تفسیر صحیح این اصل و دسترسی به مراد قانون‌گذار باید سایر اصول قانون اساسی را نیز در نظر گرفت. بررسی سایر اصول قانون اساسی بیانگر آن است که اطلاق اصل (۸) قانون اساسی در مواردی مقید شده است و بنابراین نمی‌توان برای توجیه این ماده به اطلاق آن اصل استناد کرد. توضیح آنکه مطابق با اصل (۴۰) قانون اساسی، هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. همچنین مطابق با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی، یکی از وظایف جمهوری اسلامی ایران ایجاد نظام اداری صحیح است. ساختار اداری در جمهوری اسلامی ایران دارای یک نظم مبتنی بر منافع عمومی جامعه است و در این راستا برخی از نهادهای نظارتی از جمله مجلس نسبت به دولت و وزرا و یا سازمان بازرسی کل کشور نسبت به کلیه نهادها و سازمان‌ها و همچنین دیوان محاسبات کل کشور نسبت به مصارف بودجه‌ی عمومی (بیت‌المال) و ... وجود دارد که عملکرد آنها را کنترل می‌کنند. با وجود این، اعطای حق امر به معروف و نهی از منکر به کلیه افراد نسبت به کلیه نهادها و اشخاص، موجب می‌شود که نظم اداری حاکم بر ساختار اداری کشور مختل و در نتیجه منافع عمومی ضایع شود. به عبارت دیگر، با وجود پیش‌بینی نهادهای نظارتی فوق‌الذکر در قانون اساسی دلیلی بر تجویز امر و نهی مردم در امور اختصاصی ادارات و نهادها وجود ندارد؛ زیرا اولاً نظارت، امری تخصصی است و مستلزم شناخت کافی از امور در حال جریان در یک اداره و سازمان است و ثانیاً تجویز این موضوع گاهی اوقات زمینه‌ی سوء استفاده‌ی برخی از افراد در تخریب ادارات و سازمان‌ها به بهانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را فراهم می‌کند. بنابراین، از آنجا که اطلاق تجویز اعمال حق امر به معروف و نهی از منکر در این ماده، موجب اضرار و تجاوز به منافع عمومی و نظم جامعه می‌شود اطلاق این ماده مغایر با اصل (۴۰) قانون اساسی و بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است. گفتنی است حتی وجود ماده (۶) این مصوبه، رافع این اشکال نیست؛ زیرا حتی در جایی که امر یا ناهی در مقام امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین و افترا مبادرت نکنند نیز تجویز این موضوع موجب هرج و مرج و بی‌نظمی خواهد بود.

ب) اطلاق تجویز امر به معروف و نهی از منکر نسبت به کلیه نهادها، مقامات و مسئولان شامل رهبری نیز می‌شود که این امر موجب می‌شود افراد بتوانند به بهانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، جایگاه رهبری را مورد نقد غیرمنصفانه قرار دهند و بدین طریق زمینه‌ی تضعیف مقام ولایت و در نتیجه، تضعیف رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم شود. بنابراین، از آنجا که اعطای بی‌ضابطه‌ی چنین اختیاری به مردم می‌تواند زمینه‌ی تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران را به وجود آورد، اطلاق این ماده مغایر با موازین شرعی است.

ج) مستفاد از مشروح مذاکرات قانون اساسی مربوط به اصل (۸) قانون اساسی آن است که هدف از تدوین این اصل، نادیده گرفتن نظامات اداری و عمومی جامعه به ویژه با وجود نظارت ولی امر نبوده است. به همین خاطر در این اصل تأکید شده است که شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر را قانون تعیین می‌کند. لذا مطابق با قسمت اخیر باید شرایط و حدود امر به معروف و نهی از منکر به گونه‌ای معین شود که نظم و منافع عمومی را مختل نکند. این در حالی است که ماده‌ی مزبور به صورت مطلق و بدون اینکه، شرایط و حدود امر به معروف و نهی از منکر از سوی مردم نسبت به دولت و نهادها و همچنین دولت نسبت به مردم را تعریف و مشخص کند، به مردم و دولت اختیار امر به معروف و نهی از منکر را داده است که این موضوع، موجب اختلال و همچنین اضرار به منافع عمومی است. ضمن آنکه فقدان ضابطه در این خصوص باعث سوء استفاده برخی از اشخاص به بهانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر شده و بدین ترتیب، اصل جایگاه امر به معروف و نهی از منکر دچار لطمه خواهد شد. بنابراین، این ماده از آن جهت که حدود، میزان و شرایط امر به معروف و نهی از منکر را به درستی تعیین نکرده است، مغایر با اصل (۸) قانون اساسی است.

د) در این ماده امر به معروف و نهی از منکر عامه‌ی مردم نسبت به نیروهای مسلح تجویز شده است. این در حالی است که مقام رهبری به کمیسیون تحقیق خبرگان رهبری که دارای جایگاه حقوقی خاص است اجازه‌ی ورود به امور نیروهای مسلح را به دلیل برخی ملاحظات امنیتی و سرّی نداده‌اند. بدیهی است، این حکم به طریق اولی شامل عامه‌ی مردم نیز می‌شود. بنابراین، از آنجا که طبق بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح از جمله شئون مقام رهبری دانسته شده است و تجویز اختیار امر به معروف و نهی از منکر به مردم در امور نیروهای مسلح در برخی موارد به معنای تجویز نقد غیر منصفانه و در نتیجه، تضعیف فرماندهی کل نیروهای مسلح است، این ماده مغایر با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

ه) آزادی بیان و نقد در کشورهای غربی با حق امر به معروف و نهی از منکر در اسلام متفاوت است. ماهیت امر به معروف و نهی از منکر الزام و وادار کردن دیگران به انجام معروف و یا ترک منکر است که دارای شرایط و مراتب مشخصی است. به همین خاطر این حق باید ضابطه‌مند و حدود و شرایط آن به صراحت در قانون عادی معین باشد و اطلاق تجویز آن به آحاد جامعه ممکن است نظم عمومی و منافع جامعه اسلامی را مختل کند. این در حالی است که آزادی بیان و نقد در جوامع غربی تا جایی است که این آزادی، آزادی دیگران را محدود نکند و افراد حق ندارند تکلیفی را به دیگران تحمیل کنند و تنها قانون است که می‌تواند حق الزام دیگران به انجام و یا ترک فعلی برای اشخاص را به رسمیت بشناسد. لذا موضوع این ماده و نیز اصل (۸) قانون اساسی به معنای آزادی بیان و نقد در کشورهای غربی نیست که بخواهیم به صورت مطلق چنین حقی را در اختیار افراد جامعه قرار دهیم، بلکه نوعی مسئولیت نسبت به رفتار دیگران است که باید شرایط و حدود و میزان آن در قانون مشخص و معین باشد. بنابراین، از آنجا که در این ماده حدود، میزان و شرایط امر به معروف و نهی از منکر به درستی تعیین نشده است، این ماده دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اگرچه طبق این ماده مردم اجازه دارند نسبت به عملکرد دولت و همچنین مسئولان کلیه‌ی نهادها، قوای سه‌گانه و مقام رهبری امر به معروف و نهی از منکر کنند، لیکن بر اساس ماده (۶) همین مصوبه این اجازه تا جایی است که آمر یا ناهی در مقام امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افترا، ضرب، جرح و قتل مبادرت نکند. در واقع، تجویز امر به معروف و نهی از منکر در این ماده به نحو مطلق نیست، بلکه مقید به رعایت مفاد ماده (۶) این مصوبه است. به همین جهت، تجویز امر به معروف و نهی از منکر در این ماده را نمی‌توان به استناد اینکه موجب هرج و مرج در جامعه می‌شود دارای اشکال دانست.

ب) امر به معروف و نهی از منکر، حقی است که قانون‌گذار اساسی به استناد آیه (۷۱) سوره‌ی توبه،^{۲۰} در اصل (۸) قانون اساسی برای کلیه‌ی افراد جامعه و دولت نسبت به همدیگر به رسمیت شناخته است که باید از طریق قانون عادی زمینه‌ی اجرایی شدن آن فراهم شود. این استدلال که اطلاق تجویز امر به معروف و نهی از منکر به مردم نسبت به نهادها و مسئولان با وجود نهادهای کنترلی و نظارتی، موجب تداخل وظایف و برهم زدن نظم عمومی و اداری می‌شود، قابل قبول نیست؛ زیرا این توجیه، حق امر به معروف و نهی از منکر را از مردم سلب خواهد کرد. ضمن آنکه مطابق با این استدلال با وجود نیروی انتظامی دیگر افراد نباید در خیابان نسبت به اشخاصی که به صورت علنی مرتکب فساد می‌شوند نهی از منکر کنند. این در حالی است که در جامعه همه‌ی افراد نسبت به همدیگر مسئول هستند و لذا حق دارند در موارد ترک معروف و یا ارتکاب منکر، امر به معروف و نهی از منکر کنند. بنابراین، تجویز امر به معروف و نهی از منکر در این ماده، در راستای اجرای اصل (۸) قانون اساسی است و با اشکالی مواجه نیست.

ج) این ماده به مردم اجازه داده است که تنها نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه بتوانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. از آنجا که مراد از مقامات و مسئولان، مقامات دولتی است و همچنین، مقام رهبری جزء «کارکنان» اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه محسوب نمی‌شود، مقام رهبری اساساً از موضوع این ماده خارج است. از این رو، با توجه به اینکه موضوع این ماده شامل مقام رهبری نمی‌شود، نمی‌توان این ماده را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی دانست.

^{۲۰} سوره‌ی توبه، آیه (۷۱): «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَمَزُوا لِكَلِمَةٍ أَوْ لِكَلِمَاتٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ يَنْهَوْنَ عَنْ الْمُنْكَرِ...» مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند...» (قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

د) مفاد این ماده و نیز اصل (۸) قانون اساسی مبنی بر اجازه‌ی مردم بر امر به معروف و نهی از منکر نسبت به نهادها و مسئولان شبیه همان چیزی است که در کشورهای غربی تحت عنوان آزادی بیان و نقد شناخته می‌شود. اساساً سازماندهی احزاب، گروه‌ها و انجمن‌ها در کشورهای دیگر به خاطر همین است که بتوانند کلیه رفتارهای نهادهای حکومتی را نقد کنند و به این ترتیب بتوانند به استقرار و تثبیت نظم حاکمیت کمک کنند. این موضوع برای جامعه و حکومت، مفید و مناسب است و به معنای تجاوز به نظم عمومی و منافع اجتماعی نیست.

نظر شورای نگهبان

عموم و اطلاق ماده (۸)، نسبت به تمامی اجزای حاکمیت و دستگاه‌های مختلف و همچنین مصادیق مذکور معروف و منکر، از آنجا که مفید به شرایط لازم در هر یک نشده است، مغایر اصل (۸) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۹- اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانعی از قبیل مزاحمت، تهدید، توهین و مقاومت در برابر اقامه امر به معروف و نهی از منکر موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از قبیل تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوق یا مزایا، انفسال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند، علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی^{۲۱} محکوم می‌شوند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با این ماده ایجاد مانع در برابر امر به معروف و نهی از منکر به نحو مطلق ممنوع دانسته شده است. این موضوع موجب می‌شود که افراد به راحتی بتوانند به بهانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به حریم خصوصی و اماکن اشخاص وارد شوند و کسی حق ممانعت از ورود آنان را نداشته باشد، در حالی که بر اساس موازین شرعی، تجسس و افشای عیوب افراد حرام است.^{۲۲} بنابراین، از آنجا که اطلاق حکم این ماده مبنی بر عدم ایجاد مانع در برابر امر یا ناهی باعث می‌شود که نتوان جلوی اقدام افرادی را گرفت که به بهانه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مرتکب فعل حرام از جمله نقض حریم خصوصی افراد می‌شوند، این ماده مغایر با موازین شرعی است.

ب) قانون‌گذار در این مصوبه و به طور خاص در این ماده، به جای اینکه تمام حمایت خود را متوجه عنوان امر به معروف و نهی از منکر کند، امر به معروف و ناهی از منکر را مورد حمایت قرار داده است. این موضوع موجب می‌شود در بسیاری از مواقع

^{۲۱} بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۰- در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف- ...

پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال.

ت- ...».

^{۲۲} سوره‌ی حجرات، آیه (۱۲): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَEُضًا مِّنْ أَجْزَائِكُمْ إِنَّ يَأْكُلُ أَخِيهِ مِنِّي فَأَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ بَشِيرٌ رَّحِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مُرده‌ی خود را بخورد؟! (به یقین) همه‌ی شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.» (قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

حتی اگر اشخاص به دلیل اشتباه و یا جهل مرکب، حقوق دیگران را نقض کنند، باز از حمایت قانون‌گذار برخوردار باشند؛ حال آنکه در این موارد دلیلی بر لزوم حمایت از آنان وجود ندارد؛ زیرا ممکن است این موضوع به محملی برای سوء استفاده‌ی اشخاص برای نقض حقوق دیگران در پوشش امر به معروف و نهی از منکر تبدیل شود. بنابراین، حمایت مطلق از آمر یا ناهی در این ماده حتی در مواردی که شخص به اشتباه و یا جهل مرکب موجب نقض حقوق دیگران می‌شود با اشکال مواجه است.

ج) در این ماده به صورت مطلق هرگونه ایجاد مانع در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را جرم دانسته شده است. گستره‌ی مصادیق «مانع» می‌تواند شامل موانع جزئی و مقاومت‌هایی مانند «بی‌اعتنایی» و یا «عدم پاسخگویی» نسبت به آمر و یا ناهی باشد که مطابق با این ماده مستوجب مجازات است. این در حالی است که طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، جرم و مجازات باید بدون ابهام و به تفصیل در قانون بیان شود. این موضوع در اصل (۳۶) قانون اساسی نیز منعکس شده است که به موجب آن حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. از طرفی، برخی از «موانع» و «مقاومت‌ها» حاکی از آن است که امر به معروف آمر یا ناهی از منکر ناهی تأثیرگذار نیست و بدین ترتیب یکی از شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد، به‌گونه‌ای که آمر و یا ناهی دیگر نباید به رفتار خود ادامه دهد. بنابراین، از آن جهت که در این ماده، حدود و شرایط جرم و مجازات به طور دقیق مشخص نشده است، این ماده برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات و مغایر با اصل (۳۶) قانون اساسی است.

د) طبق ذیل این ماده، یکی از مجازات‌های شخص حقوقی، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی است. پیش‌بینی این مجازات در مورد اشخاص حقوق عمومی با اشکال مواجه است؛ زیرا اعمال این مجازات در مورد نهادهای حقوق عمومی منجر به تعطیلی آنها و در نتیجه، مختل شدن امور روزمره‌ی مردم می‌شود. بنابراین، اطلاق حکم این ماده مبنی بر مجازات ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی برای همه‌ی اشخاص حقوقی، دارای اشکال است.

ه) همان‌طور که از آیه (۱۰۴) سوره‌ی آل عمران^{۲۳} قابل برداشت است، دعوت به خیر یک مسئله و امر به معروف و نهی از منکر مسئله‌ای دیگر است. در واقع، مسئله‌ی دعوت به خیر ناظر به مرحله‌ی زبانی یعنی موعظه و نصیحت مرتکب منکر یا تارک معروف است که وظیفه‌ی همگان است و ایجاد مانع در برابر آن صحیح نیست، لیکن مرحله‌ی اجرایی و عملی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی همگان نیست؛ زیرا باعث هرج و مرج و بی‌نظمی می‌شود. لذا وقتی همگان در مرحله‌ی عملی وظیفه‌ای ندارند نمی‌توان ایجاد مانع در برابر امر به معروف و نهی از منکر در این مرحله را قابل مجازات دانست. به عبارت دیگر، ایجاد مانع در برابر مرحله‌ی زبانی قابل جرم‌انگاری است، اما ایجاد مانع در برابر مرحله‌ی عملی را نمی‌توان قابل کیفر دانست؛ درحالی که در این مصوبه مرحله‌ی زبانی و عملی هر دو به مفهوم واحد در نظر گرفته شده است و به طور مطلق، ایجاد مانع در برابر هر دو مرحله، جرم تلقی شده است. بنابراین، این ماده از این جهت، دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) بنا بر تصریح ماده (۳) همین مصوبه،^{۲۴} حکم مقرر در این ماده مبنی بر ممنوعیت ایجاد مانع در مقابل امر به معروف و نهی از منکر منصرف به ایجاد مانع و مقاومت در مقابل ترک معروف و یا انجام منکراتی است که به صورت علنی و مشهود ارتکاب می‌یابند. لذا اساساً این ماده ایجاد مانع در مقابل آمر و یا ناهی که درصدد تجسس و نقض حریم خصوصی افراد است را ممنوع نکرده است؛ زیرا با وجود ماده (۳)، اطلاق این ماده مقید به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد. بنابراین، این ماده در مقام تجویز نقض حریم خصوصی افراد در مقام امر به معروف و نهی از منکر نیست و از این جهت مغایرتی با موازین شرع

^{۲۳} سوره‌ی آل عمران، آیه (۱۰۴): «وَلَنْكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَأُتْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و رستگاران آنها هستند.» (قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی)

^{۲۴} «ماده ۳- امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»

ندارد.

ب) با توجه به اینکه این مصوبه صرفاً مرحله‌ی زبانی امر به معروف و نهی از منکر را برای همگان تجویز کرده است، اطلاق ایجاد مانع در برابر امر به معروف و ناهی از منکر مقید به همین مرحله است و اساساً شامل مرحله‌ی اجرایی و عملی امر به معروف و نهی از منکر نمی‌شود. بنابراین، اطلاق این ماده تمام نیست و نمی‌توان جرم‌انگاری ایجاد مانع در این ماده را دارای اشکال دانست.

نظر شورای نگهبان

اطلاق و عموم ماده (۹)، از آنجا که مقید به شرایط جرائم مذکور و مجازات‌های متناسب با آنها نشده است، مغایر اصل (۳۶) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۱- قوه قضائیه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرائم موضوع این قانون، شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد و نسبت به معاضدت قضایی آمران به معروف و ناهیان از منکر اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با اصل (۱۵۶) قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه قوه‌ای مستقل است که وظایفی همچون حل و فصل دعاوی، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را برعهده دارد. بر این اساس، حکم مقرر در این ماده مبنی بر تکلیف قوه‌ی قضائیه نسبت به معاضدت قضایی آمران به معروف و ناهیان از منکر دارای اشکال است؛ زیرا معاضدت قضایی نسبت به یک طرف دعوا، ضمن اینکه جزء وظایف قوه‌ی قضائیه مندرج در اصول قانون اساسی نیست، موجب می‌شود که استقلال و اصل بی‌طرفی قوه‌ی قضائیه نسبت به طرفین دعوا خدشه‌دار شود. بنابراین، مفاد ماده‌ی مزبور از آن جهت که نافی استقلال قوه‌ی قضائیه است مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

حکم مقرر در این ماده‌ی مبنی بر تکلیف قوه‌ی قضائیه به معاضدت قضایی آمران به معروف و ناهیان از منکر، از این جهت که مشخص نیست منظور از «معاضدت قضایی» چیست، واجد ابهام است. در صورتی که منظور از معاضدت قضایی، اقدامات قضایی باشد که موجب شود استقلال و بی‌طرفی قوه‌ی قضائیه نسبت به طرفین دعوا خدشه‌دار شود، این ماده مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی خواهد بود، لیکن اگر منظور ارائه‌ی خدمات و مشاوره‌ی حقوقی و یا تعیین وکیل برای آمران به معروف و ناهیان از منکر باشد، این ماده با اشکالی مواجه نیست. بنابراین، باید این ابهام از ماده برطرف شود تا بتوان در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۱)، مفهوم عبارت «معاضدت قضایی» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

ماده ۱۳- در مواردی که نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به دلیل عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم حسب مورد، دیه از محل ماده (۱۰) قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷/۱۰/۲۳ و اصلاحات بعدی آن^{۲۵} پرداخت می‌شود.

۲۵. ماده (۱۰) قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ مجلس

تبصره- هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، صندوق موضوع این ماده می‌تواند رأساً به قائم‌مقامی مجنی‌علیه نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضایی اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با موازین شرعی، دیه‌ی مجنی‌علیه در صورت فرار جانی یا ناشناخته بودن یا عدم تمکن وی، در نهایت از بیت‌المال پرداخت می‌شود.^{۲۶} از طرفی، طبق این ماده در صورتی که نسبت به امر به معروف و یا ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا تمکن مالی نداشته باشد، دیه از محل ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، یعنی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. این در حالی است که بر اساس ماده (۱۱) قانون اخیرالذکر،^{۲۷} بخش قابل توجهی از درآمد صندوق مزبور از محل حق بیمه‌های پرداختی مردم تأمین می‌شود و ماهیت آن خصوصی است و نه بیت‌المال. بنابراین، حکم این ماده از آن جهت که محل تأدیبه‌ی دیه مجنی‌علیه را از محل اموال مردم تعیین کرده است، مغایر با موازین شرع است. گفتنی است هر چند بخشی از درآمد این صندوق توسط دولت و از محل‌های عمومی تأمین می‌شود، و یا در برخی از قوانین از این صندوق، به صندوق عمومی یاد شده است، لیکن این صندوق از آن جهت که مخلوط به درآمد بخش خصوصی است، دولتی محسوب نمی‌شود و لذا تأدیبه‌ی دیات موضوع این ماده از این صندوق، مغایر با موازین شرعی

شورای اسلامی: «ماده ۱۰- به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد. مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی ایران و تصویب مجمع عمومی و با حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می‌گردد. مجمع عمومی صندوق با عضویت وزراء امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی و دادگستری و رئیس کل بیمه مرکزی ایران حداقل یک بار در سال تشکیل می‌شود. بودجه، ترازنامه و خط مشی صندوق به تصویب مجمع خواهد رسید. متن کامل ترازنامه صندوق از طریق روزنامه رسمی و یکی از جرائد کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.

تبصره ۱- میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت‌های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۴) این قانون و تبصره ذیل آن خواهد بود.
تبصره ۲- مرکز صندوق تهران است و در صورت لزوم می‌تواند با تصویب مجمع عمومی صندوق در مراکز استان‌ها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء نماید.
تبصره ۳- هزینه‌هایی که بیمه مرکزی ایران برای اداره صندوق متحمل می‌گردد حداکثر تا سه درصد (۳٪) از درآمدهای سالانه صندوق از محل منابع درآمد آن پرداخت خواهد شد.»

۲۶. «أن القتل العمدی اذا لم یتمکن القصاص ولو من جهة فرار القاتل ینتقل الأمر الی الدیة، فإن کان له مال تؤخذ الدیة من ماله، وان لم یکن له مال تؤخذ من الأقرب فالأقرب ممن ینتهون الیه، فإن لم یکن له قریب یؤخذ من بیت المال معلد بان هم المسلم لا یدهب هدر.» (موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، محاضرات فی الموارث، قم، مؤسسه السبئین (علیهما السلام) العالمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴، ص ۲۲۷)

۲۷. ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر است:

- الف- پنج درصد (۵٪) از حق بیمه بیمه اجباری موضوع این قانون
- ب- مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه بیمه اجباری که از دارندگان وسایل نقلیه‌ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری نمایند وصول خواهد شد. نحوه وصول و تقسیط مبلغ مذکور و سایر ضوابط لازم این بند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب مجمع عمومی صندوق خواهد رسید.
- ج- مبالغی که صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیدگان بتواند از مسئولان حادثه وصول نماید.
- د- درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق.
- ه- بیست درصد (۲۰٪) از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور
- و- بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه
- ز- جرائم موضوع ماده (۲۸) این قانون
- ح- کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص مختلف.

تبصره ۱- در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید.

تبصره ۲- «...»

است. با توجه به این ایرادها، می‌توان گفت اساساً با وجود ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۸۱۳۹۲ نیازی به این ماده نیست؛ زیرا عمومیت ماده (۴۳۵) شامل موضوع ماده (۱۳) نیز می‌شود و در نتیجه در فرض ناشناخته بودن جانی یا عدم تمکن وی، در نهایت دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

ب) موضوع امر به معروف و نهی از منکر، یک حق و تکلیف عمومی در جامعه است که همه‌ی افراد جامعه باید نسبت به هزینه‌های آن مشارکت داشته باشند. تأمین مالی صندوق ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث از محل اموال و وجوه بخشی از مردم جامعه است و این‌گونه نیست که همه‌ی افراد جامعه در آن مشارکت داشته باشند. بنابراین، تأدیه‌ی دیه‌ی مجنی‌علیه ناشی از احیای امر به معروف و نهی از منکر، از محل بخشی از وجوه و اموال مردم موجب تبعیض و نیز عدم تساوی افراد در مقابل قانون خواهد بود و نمی‌توان به بهانه‌ی مصالح عمومی از اموال خصوصی اشخاص بهره‌برداری کرد. لذا ماده‌ی مزبور از این جهت، مغایر با بند (۳) اصل (۹) قانون اساسی است.

ج) از آنجا که بخش قابل توجهی از درآمد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از محل حق بیمه‌های پرداختی مردم تأمین می‌شود و مصرف مذکور در این ماده جزء مصارف تعیین شده برای این صندوق نمی‌باشد، ایجاد مصرف جدید برای این صندوق بدون رضایت و اطلاع کسانی که اقدام به واریز وجه به این صندوق کرده‌اند، مغایر با موازین شرع و نیز اصل (۴۷) قانون اساسی مبنی بر احترام به مالکیت خصوصی افراد است. ممکن است گفته شود از آنجا که در قرارداد بیمه با بیمه‌گذار شرط می‌شود که درصدی از حق بیمه به صندوق جبران خسارات بدنی واریز شود تا در مصارفی که قانون‌گذار بعداً تعیین می‌کند هزینه شود، بیمه‌گذار قبلاً به پرداخت دیه مجنی‌علیه از صندوق مزبور نیز رضایت داده است، لیکن این استدلال تمام نیست؛ زیرا پذیرش این موضوع باعث غرری و مجهول شدن قرارداد شده و به معنای آن است که هرگونه خسارت (مانند خسارت ناشی از سیل و...) از این صندوق قابل جبران است؛ حال آنکه در شرع مقدس اسلام از قرارداد غرری نهی شده است.

د) مطابق با موازین شرعی، حکم به پرداخت دیه باید توسط قاضی و از طریق دادگاه صالح صورت پذیرد. هر چند که در تبصره‌ی ماده‌ی مزبور، بر وصول دیه از جانی مبتنی بر رأی محاکم قضایی تأکید شده است، لیکن صدر ماده‌ی مذکور پرداخت دیه به مجنی‌علیه و یا اولیای دم او را منوط به صدور حکم از سوی محاکم قضایی نکرده است. بنابراین، قسمت اول این ماده از آن جهت که پرداخت دیه مجنی‌علیه را به صدور حکم قضایی منوط ندانسته، مغایر با موازین شرع است.

ه) مطابق با اصل (۷۵) قانون اساسی، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که منبع تأمین هزینه‌های مزبور معلوم شده باشد. از طرفی، منابع صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مشمول عنوان منابع عمومی کشور است و از طرف دیگر، پرداخت دیه مجنی‌علیه از سوی دولت، در شرایطی که جانی شناخته نشده و یا متمکن نیست موجب بار مالی و هزینه‌های جدید است. به همین جهت نمایندگان مجلس منبع تأمین هزینه‌های مذکور را صندوق موضوع ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث تعیین کرده‌اند. لیکن از آنجایی که مطابق با قوانین مختلف، این صندوق دارای مصارف معین و مشخص است، نمی‌توان آن را به عنوان محل تأمین هزینه‌های ماده (۱۳) این مصوبه نیز تعیین کرد. لذا از آنجا که محل تعیین شده در این ماده برای تأمین هزینه‌های اجرای آن کافی نیست، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.

۲۸. ماده (۴۳۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۳۵- هرگاه در جنایت عمدی به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود. چنانچه پس از اخذ دیه، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی‌علیه محفوظ است، لکن باید قبل از قصاص، دیه گرفته‌شده را برگرداند.»

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مستفاد از تبصره‌های (۵) و (۶) ماده (۱۱) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶،^{۲۹} صندوق مذکور در ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری در مقابل شخص ثالث، یک صندوق عمومی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، تأمین منابع مالی آن نیز متعدد و شامل محل‌هایی مانند جریمه‌های دریافتی پلیس راهور، کمک دولت از طریق لایحه‌ی بودجه، درصدی از هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه‌ی قضائیه است، به گونه‌ای که حق بیمه‌ی شخص ثالث، صرفاً تأمین‌کننده‌ی بخش اندکی از اعتبار این صندوق است. بنابراین، ماهیت این صندوق دولتی است و همان‌طور که شورای نگهبان، تبصره‌ی ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^{۳۰} مبنی بر پرداخت معادل تفاوت دیه‌ی زن تا سقف دیه‌ی مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را با اشکالی مواجه ندانست، می‌توان خسارات وارده به مجنی‌علیه موضوع این ماده را نیز از آن محل تأمین و پرداخت کرد. لذا با توجه به اندک بودن مبلغ واریزی توسط مردم به این صندوق و عمومی تلقی شدن آن، پرداخت دیه‌ی مجنی‌علیه از محل این صندوق را نمی‌توان مغایر با قانون اساسی و موازین شرعی دانست.

ب) صدر این ماده تنها در مقام بیان حکم محل تأمین پرداخت دیه است و نافی فرآیند لازم برای رسیدگی و صدور حکم به پرداخت دیه نیست. از سوی دیگر، در نظامات دولتی پرداخت دیه، بدون صدور حکم قضایی امکان‌پذیر نیست و قانون‌گذار به جهت بدیهی بودن این موضوع به لزوم صدور حکم قضایی در این خصوص اشاره نکرده است. لذا، این ماده از این جهت که صدور حکم قضایی برای پرداخت دیه را نفی نمی‌کند، مغایرتی با موازین شرع ندارد. مشابه این موضوع تبصره‌ی ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص پرداخت مابه‌التفاوت دیه بانوان از محل این صندوق است که پرداخت دیه از بیت‌المال را بدون تصریح به صدور حکم قضایی بیان کرده است و شورای نگهبان آن ماده را مغایر با قانون اساسی یا موازین شرع ندانسته است.

ج) هر چند که درصدی از منابع درآمدی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از حق بیمه‌ی اشخاص ثالث است، لیکن از آنجا که در قرارداد بیمه با بیمه‌گذار شرط می‌شود که درصدی از این حق بیمه به صندوق جبران خسارات بدنی موضوع ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری در مقابل شخص ثالث واریز می‌شود که دارای مصارفی است که قانون‌گذار تعیین می‌کند و بیمه‌گذار با این شرط و با رضایت اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند، پرداخت دیه مجنی‌علیه از صندوق مزبور مغایرتی با اصل (۴۷) قانون اساسی مبنی بر احترام به مالکیت خصوصی افراد و موازین شرعی نخواهد داشت. ضمن اینکه در ماده (۱۰) این قانون نیز تصریح شده است که صندوق می‌تواند خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه را نیز پرداخت کند.

د) اگرچه حکم مقرر در این ماده مبنی بر پرداخت دیه از صندوق خسارت‌های بدنی به معنای ایجاد مصارف جدید برای این صندوق و تحمیل هزینه‌ی جدید برای این منابع است و از این جهت، ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی در مورد این ماده به ذهن متبادر می‌شود، لیکن با عنایت به اینکه تبصره‌ی ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، محل پرداخت معادل تفاوت دیه‌ی زن تا سقف دیه‌ی مرد را همین صندوق دانسته است و شورای نگهبان آن ماده را با اشکالی مواجه ندانسته است، می‌توان گفت پرداخت دیه‌ی موضوع این ماده نیز از صندوق خسارت‌های بدنی فاقد اشکال است.

^{۲۹} ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث، مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر است:

الف- ...

تبصره ۵- عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از سوی شرکت‌های بیمه در حکم دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی می‌باشد.

تبصره ۶- مصرف درآمدهای صندوق در مواردی به جز موارد مصرح در این قانون، ممنوع بوده و در حکم تصرف غیر قانونی در وجوه عمومی می‌باشد.»
^{۳۰} ماده (۵۵۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۵۱- دیه ختنای ملحق به مرد، دیه مرد و دیه ختنای ملحق به زن، دیه زن و دیه ختنای مشکل، نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است.

تبصره- در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.»

دیدگاه ابهام

از آنجا که مشخص نیست ماهیت صندوق ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری در مقابل شخص ثالث، دولتی است یا خصوصی، این ماده واجد ابهام است. در صورتی که منابع این صندوق از اموال مردم تأمین شود، ماهیت صندوق خصوصی محسوب می‌شود و در نتیجه پرداخت دیه‌ی مجنی‌علیه موضوع این ماده در صورتی که جانی ناشناخته و یا معسر باشد، از محل این صندوق مغایر با موازین شرعی خواهد بود؛ زیرا بر اساس موازین شرعی محل پرداخت دیه‌ی مجنی‌علیه در موارد فرار یا ناشناخته بودن و یا اعسار جانی، بر عهده‌ی بیت‌المال و اموال دولت است. لذا ابتدا باید ماهیت خصوصی و یا دولتی بودن این صندوق مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت حکم پرداخت دیه از این صندوق با موازین شرع، اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

- در ماده (۱۳)، پرداخت دیه از محل مذکور، از آنجا که به افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

- تذکر: در ماده (۱۳)، باید در پرداخت دیه، تصریح به بعد از صدور حکم قضایی شود. همچنین در این ماده، قانون مذکور در سال ۱۳۸۷ نسخ گردیده است.

ماده ۱۴- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده، می‌توانند در مورد جرائم ارتكابی موضوع این قانون اعلام جرم نموده و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند.

دیدگاه مغایرت

الف) مستفاد از اطلاق حکم مقرر در این ماده مبنی بر اجازه به سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به اعلام جرم در مورد جرائم ارتكابی موضوع این مصوبه، آن است که این سازمان‌ها حتی نسبت به جرائمی که صرفاً جنبه‌ی خصوصی دارند نیز حق اعلام جرم دارند. این در حالی است که مطابق با موازین شرعی، اعلام جرم و شروع به تعقیب و رسیدگی به جرائم دارای حیثیت خصوصی تنها منوط به درخواست بزه‌دیده و یا اولیای قانونی اوست. بنابراین، از آنجا که سازمان‌های مردم‌نهاد در این گونه جرائم، ذی‌نفع نبوده و بدون اجازه و یا رضایت بزه‌دیده حق درخواست رسیدگی به جرم را ندارند، اطلاق واژه‌ی «جرائم» در این ماده از آن جهت که حق اعلام جرم و درخواست رسیدگی به جرائم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد را به جرائم دارای جنبه‌ی خصوصی نیز تسری داده است، مغایر با موازین شرعی است. بدیهی است، در صورتی که در این ماده، همانند تبصره (۱) ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اعلام جرم توسط سازمان‌های مزبور در جرائم دارای حیثیت خصوصی مقید به کسب اجازه و رضایت بزه‌دیده شود این ایراد برطرف خواهد شد.

ب) مطابق با اصل (۱۵۶) قانون اساسی، حل و فصل دعاوی، رسیدگی و صدور حکم و در نتیجه، اقامه‌ی دلیل از وظایف قوه‌ی

۳۱. ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۶- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

قضائیه است. به عبارت دیگر، برای اقامه‌ی دلیل در محاکم، داشتن سِمَت الزامی است؛ لذا اقامه‌ی دلیل باید صرفاً از طریق مقام قضایی یا طرفین دعوا صورت پذیرد. این در حالی است که ذیل این ماده، اختیار اقامه‌ی دلیل در تمام مراحل دادرسی را به سازمان‌های مردم‌نهاد که فاقد مقام یا سِمَت قضایی هستند اعطا کرده است. بنابراین، با توجه به فقدان سِمَت «سازمان‌های مردم‌نهاد» در خصوص اقامه‌ی دلیل، اعطای چنین اختیاری به ایشان مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اساساً اعلام جرم تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که جرم دارای جنبه‌ی عمومی و فاقد شاکی خصوصی باشد. بنابراین، در این ماده مراد از اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً به معنای صلاحیت این سازمان‌ها نسبت به گزارش وقوع جرم در جرائم دارای جنبه‌ی عمومی به دادستان و دادسرا است و این اطلاع‌رسانی با اشکالی مواجه نیست. با این توضیح، اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) کلیه‌ی جرائم حتی جرائمی که قابل گذشت بوده و بزه‌دیده و یا شاکی خصوصی داشته باشد، از آن جهت که نظم عمومی و حدود الهی را نقض می‌کنند، واجد حیثیت عمومی هستند. بنابراین همه‌ی مردم این حق را دارند که نسبت به جنبه‌ی عمومی جرم به مقامات ذی‌صلاح اعلام جرم کنند. بر همین مبنا، سازمان‌های مردم‌نهاد نیز می‌توانند نسبت به جنبه‌ی عمومی کلیه‌ی جرائم حتی جرائم دارای جنبه‌ی خصوصی به مقامات ذی‌صلاح اعلام جرم کنند و رسیدگی به آن را از مرجع قضایی مطالبه کنند. بنابراین، اطلاق واژه‌ی «جرائم» در این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ج) طبق ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری که توسط شورای نگهبان تأیید شده است، به سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه داده شده است که نسبت به جرائم ارتكابی موضوع آن ماده اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. بدیهی است، اعطای اختیار جهت شرکت سازمان‌های مزبور در تمام مراحل دادرسی به مراتب بالاتر از اختیار اقامه‌ی دلیل توسط آن سازمان‌ها است. بنابراین، با توجه به اینکه شورای نگهبان حکم ماده (۶۶) قانون فوق‌الذکر مبنی بر اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد جهت شرکت در تمام مراحل دادرسی را فاقد اشکال دانسته است، اعطای اختیار اقامه‌ی دلیل به این سازمان‌ها در این ماده نیز با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۴)، اطلاق جرائم در مواردی که شاکی خصوصی دارد، مغایر حق بزه‌دیده خصوصی است و باید نظر او اخذ شود؛ چنانچه طبق تبصره ماده (۶۶) قانون مجازات اسلامی^{۳۳} اصلاح شود، اشکال رفع می‌گردد. همچنین به دلیل فقدان سِمَت «سازمان‌های مردم‌نهاد» در خصوص اقامه دلیل، اعطای اختیار به سازمان‌های مذکور، مغایر اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۵- هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می‌کند، آسیب جسمی و یا جانی وارد شود، حسب مورد مشمول قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر قوانین و مقررات مرتبط می‌باشد.

تبصره ۱- حکم این ماده به افرادی که پیش از تصویب این قانون مورد آسیب جسمی یا جانی قرار گرفته‌اند نیز تسری پیدا می‌کند.

تبصره ۲- احراز شهادت یا جانبازی توسط کمیته کشوری متشکل از نمایندگان: قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد. آیین‌نامه این تبصره ظرف

۳۳. مراد تبصره (۱) ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) بوده است که در نامه‌ی شورا، به اشتباه تبصره‌ی ماده (۶۶) قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر پیشنهاد می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

دیدگاه مغایرت

الف) در این ماده اشخاصی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون آسیب جسمی یا جانی دیده باشند حسب مورد مشمول قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱ دانسته شده‌اند. همچنین این حکم، به موجب تبصره (۱) این ماده، به افرادی که پیش از این قانون مورد آسیب جسمی یا جانی قرار گرفته‌اند نیز تسری داده شده است. چنین حکمی بدین معناست که مجلس شورای اسلامی تعریف خود را از شهید و جانباز مذکور در بندهای (ب) و (ج) ماده (۱) قانون اخیرالذکر^{۳۳} توسعه داده است که این امر به معنای افزایش مشمولان و برخورداران از خدمات موضوع قانون مزبور است. بنابراین، از آنجایی که حکم این ماده و تبصره (۱) آن به افزایش مشمولان قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران منجر می‌شود (اگرچه در تعداد مصادیق می‌تواند بسیار اندک باشد)، واجد بار مالی بوده و با توجه به اینکه در این ماده، طریق تأمین بار مالی مذکور پیش‌بینی نشده است و طریقه‌ی مذکور در ماده (۲۳) این مصوبه^{۳۴} نیز جبران‌کننده‌ی افزایش این هزینه‌ها نیست، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ چه آنکه طبق این اصل، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق تأمین آن هزینه‌ها معلوم شده باشد.

ب) در این ماده اشخاصی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون آسیب جسمی یا جانی دیده باشند، حسب مورد مشمول قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱ دانسته شده‌اند. همچنین این حکم به موجب تبصره (۱) این ماده، به افرادی که پیش از این قانون مورد آسیب جسمی یا جانی قرار گرفته‌اند نیز تسری داده شده است. چنین حکمی بدین معناست که مجلس شورای اسلامی تعریف خود را از شهید و جانباز مذکور در بندهای (ب) و (ج) ماده (۱) قانون اخیرالذکر توسعه داده است. این در حالی است که بند (الف) ماده (۱) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در مقام تعریف اصطلاح «ایثارگر»، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و توسعه‌ی مفهوم شهید و جانباز در این ماده به معنای اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام است؛ حال آنکه طبق نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان^{۳۵} از اصل (۱۱۲) قانون اساسی، هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری،

^{۳۳} ماده (۱) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱- تعاریف

الف- ایثارگر در این قانون به کسی اطلاق می‌گردد که برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انجام وظیفه نموده و شهید، مفقودالثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده شناخته شود.

تبصره- ...

ب- شهید و مفقودالثر: به کسی اطلاق می‌شود که جان خود را در راه تکوین، شکوفایی، دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی ایران، استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضد انقلاب و اشرار نثار نموده و یا در این رابطه مفقودالثر شناخته شود.

ج- جانباز: به کسی اطلاق می‌شود که سلامتی خود را در راه تکوین، شکوفایی، دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی ایران، استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضد انقلاب و اشرار از دست داده و به اختلالات و نقص‌های جسمی یا روانی دچار شود.

د- ...»

^{۳۴} «ماده ۲۳- اعتبارات اجرایی این قانون از محل بودجه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این قانون و جدول شماره (۱۷)- کمک به اشخاص حقوقی غیر دولتی) موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰ جدول شماره (۹) مربوط به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تأمین می‌شود.»

^{۳۵} نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۷ شورای نگهبان: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود، مجلس پس از گذشت زمان معتدب‌ه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد، و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

حق رد، ابطال، نقض و فسخ مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارند، مگر در صورتی که از زمان تصویب مصوبه در مجمع (در موارد مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی)، مدت قابل اعتنایی که تغییر مصلحت را موجب کند، گذشته باشد. بنابراین، توسعه‌ی مفهوم شهید و جانباز در این ماده، مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هر چند بند (الف) ماده (۱) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در مقام تعریف اصطلاح «ایثارگر» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است، اما با توجه به اینکه بندهای (ب) و (ج) این ماده مصوب خود مجلس است و بند (الف) در مقام تعریف ایثارگر آن را شامل «شهید، مفقودالثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده» دانسته است که تعریف آنها توسط مجلس انجام شده، در واقع مصوبه‌ی کنونی مجلس اصلاح‌کننده‌ی مصوبه‌ی سابق خود مجلس است و نه اصلاح‌کننده‌ی مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام تا بتوان از این جهت آن را مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل دانست.

ب) قانون‌گذار در این ماده در مقام اصلاح یا نقض قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست، بلکه قصد داشته است تا اشخاصی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون آسیب جسمی یا جانی دیده‌اند را در قالب یک قانون مستقل مورد حمایت قرار دهد و این موضوع اساساً ارتباطی با قانون فوق‌الذکر ندارد. بنابراین، نمی‌توان این ماده را به معنای اصلاح و توسعه‌ی قانون فوق‌الذکر و در نتیجه، مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از این اصل دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵) از حیث افزایش هزینه‌های عمومی، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود، مسئول نظارت بر حسن اجرای این قانون، گسترش و ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و صدور مجوز برای تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد با رعایت مفاد ماده (۴) این قانون^{۳۶} و هماهنگ‌کننده تمامی دستگاه‌های اجرایی به منظور اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

تبصره ۱- ستاد استان و شهرستان می‌تواند به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع و راهپیمایی در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر مجوز صادر کند. ستاد موظف است یک نسخه از مجوز صادره را حسب مورد به استانداری، فرمانداری و بخشداری ارسال کند تا نسبت به تأمین امنیت تجمع‌کنندگان اقدام کنند.

تبصره ۲- ستاد موظف است اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب را نظارت و پیگیری کند.

تبصره ۳- وظایف ستاد نافی مسئولیت‌های وزراء، مسئولان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری،^{۳۷} رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در ارتباط با آنچه در این قانون مقرر شده است

^{۳۶}. «ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی و نوشتاری و اقدام عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و اقدام عملی آن تنها وظیفه دولت است، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری تعیین کرده باشد.»

^{۳۷}. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

نمی‌باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، نظارت بر حُسن اجرای قوانین بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است؛ حال آنکه این ماده مسئولیت نظارت بر حُسن اجرای این مصوبه را بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر گذاشته است. بر این اساس، از آنجا که ماهیت این ستاد، قضایی نیست، تجویز اختیار نظارت بر حُسن اجرای این مصوبه به ستاد مذکور، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

ب) در این ماده اعطای صلاحیت صدور مجوز به ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز صدور مجوز راهپیمایی مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است؛ زیرا با توجه به اینکه صدور مجوز امری اجرایی محسوب می‌شود، این صلاحیت طبق نص این اصل تنها به رئیس جمهور و وزرا واگذار شده است. بنابراین، با توجه به ترکیب اعضای این ستاد مقرر در ماده (۱۹) همین مصوبه^{۳۸} که شامل غیر وزرا نیز می‌شود، واگذاری این صلاحیت به ستاد مذکور از آن جهت که دخالت در وظایف قوه‌ی مجریه است، مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی و نیز اصل (۵۷) قانون اساسی، مبنی بر مستقل بودن قوای سه‌گانه‌ی جمهوری اسلامی ایران در انجام وظایف خود از یکدیگر است.

ج) طبق تبصره (۱) این ماده یکی از وظایف این ستاد، صدور مجوز راهپیمایی و تجمع در ارتباط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر است. این در حالی است که مطابق با اصل (۲۷) قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد دانسته شده است. لذا تقیید برگزاری راهپیمایی و تجمعات به صدور مجوز از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مغایر با اصل (۲۷) قانون اساسی است.

د) طبق تبصره (۲) این ماده، ستاد امر به معروف و نهی از منکر موظف به نظارت و پیگیری در زمینه‌ی اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص موضوع عفاف و حجاب شده است. این در حالی است که بند (۲۸) مصوبه‌ی جایگاه، اهداف و

۳۸. «ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاستگذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد

۲- وزیر کشور

۳- وزیر اطلاعات

۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- وزیر آموزش و پرورش

۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت

۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر

۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه

۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱۳- رئیس سازمان بسیج

۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه

۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه

۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خاوران

۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد

تبصره ۱- ...»

وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی،^{۳۹} نظارت و پیگیری مستمر بر اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را از جمله وظایف این شورا دانسته است؛ لذا حکم مقرر در تبصره (۲) این ماده مبنی بر اعطای صلاحیت نظارت و پیگیری اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب به ستاد امر به معروف و نهی از منکر، دارای اشکال است.

دیدگاه عدم مغایرت

هر چند اصل (۲۷) قانون اساسی، برگزاری راهپیمایی و تجمع را در صورتی که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد دانسته است، لیکن این موضوع به معنای عدم لزوم صدور مجوز برای برگزاری راهپیمایی و تجمع نیست. به عبارت دیگر، این اصل در مقام آن نیست که بگوید برگزاری راهپیمایی نیازی به مجوز ندارد. بر این اساس، تبصره (۱) این ماده که اختیار صدور مجوز راهپیمایی در امور مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را به ستاد امر به معروف و نهی از منکر داده است، مغایرتی با اصل (۲۷) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۶) و تبصره‌های آن، با توجه به ترکیب اعضای ستاد و اینکه در این ماده، وظایف اجرایی و بعضاً قضایی پیش‌بینی شده است، مغایر اصول (۵۷)، (۶۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

ماده ۱۷- سازمان بسیج مستضعفین موظف است با به‌کارگیری آحاد بسیجیان در چهارچوب قوانین نسبت به فرهنگ‌سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کند.

تبصره ۱- مفاد این ماده نافی مسئولیت ضابطین قضایی بسیج در مرتبه اقدام عملی نیست.

تبصره ۲- تبصره (۳) قانون حمایت قضایی از بسیج^{۴۰} به این شرح اصلاح می‌شود:

ستاد امر به معروف و نهی از منکر موظف است با همکاری بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آن مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر که مستلزم اقدام عملی است برای افراد مورد نیاز از نیروی بسیج سپاه به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار و برای آنها مجوز مخصوص صادر کند.

دیدگاه مغایرت

الف) مطابق با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده‌ی مقام معظم رهبری است. به همین خاطر کلیه‌ی مقررات و قوانین مرتبط با وظایف و اختیارات نیروهای مسلح و از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هرگونه اصلاح و تغییر در آنها باید به تأیید مقام رهبری برسد. مطابق با تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج، نیروی مقاومت بسیج سپاه وظیفه‌ی آموزش نیروهای مقاومت بسیج برای انجام وظایف ضابطین و صدور مجوز در این خصوص را بر عهده دارد.

^{۳۹} بند (۲۸) مصوبه جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی: «۲۸- نظارت و پیگیری مستمر بر اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و ارزیابی نتایج و حمایت از اجرای آنها و نیز نظارت بر عدم مغایرت طرح‌ها و برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی به اجرا درآمده توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها با اصول سیاست‌ها و خط مشی‌های مصوب فرهنگی کشور.»

^{۴۰} ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطین قوه قضائیه هنگام برخورد با جرائم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۳- نیروی مقاومت بسیج سپاه، وظیفه فوق را از طریق افرادی که آموزش‌های لازم را در این زمینه فراگرفته و مجوز مخصوص را از نیروی مزبور دریافت نموده باشند اجرا خواهد کرد. نیروهای مذکور موظفند به هنگام برخورد با متهم مجوز مخصوص خود را در صورت مطالبه ارائه دهند.»

این در حالی است که تبصره (۲) ماده (۱۷) این مصوبه، تبصره‌ی مذکور را اصلاح و وظیفه‌ی صدور این مجوز را بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است. بر این اساس، از آنجا که نیروی مقاومت بسیج زیر نظر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می‌شود، تغییرات صورت گرفته در این ماده و صدور مجوز مخصوص برای بسیج از طرف ستاد امر به معروف و نهی از منکر باید با تأیید مقام رهبری و منوط به اذن ایشان باشد. لذا از آنجا که اصلاحات صورت گرفته در خصوص وظایف و عملکرد بسیج، به امضا و تأیید مقام رهبری نرسیده است، حکم تبصره (۲) این ماده مبنی بر تجویز صدور مجوز برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مغایر با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است؛ ضمن اینکه رویه‌ی شورای نگهبان در بررسی مصوبات مرتبط با نیروهای مسلح، تأکید بر اخذ تأییدیه و اذن از مقام رهبری بوده است.^{۴۱}

ب) طبق این ماده در اجرای امر به معروف و نهی از منکر به نیروی مقاومت بسیج اختیارات گسترده از جمله اقدامات عملی به عنوان ضابط قضایی اعطا شده است. این موضوع در حالی است که وظیفه‌ی اصلی بسیج، حضور در صحنه‌های فرهنگی و نظامی است. بنابراین، تفویض وظایف قضایی و اجرایی ضابطین به نیروی مقاومت بسیج در راستای اجرای امر به معروف و نهی از منکر، ضمن آنکه به دلیل تداخل وظایف قوا و نهادهای ذی‌ربط مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است، از آنجا که باعث اختلال در نظام صحیح اداری کشور می‌شود مغایر با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است؛ زیرا بر اساس این بند یکی از وظایف جمهوری اسلامی ایران ایجاد نظام صحیح اداری است که در این راستا، تمرکز بسیج بر انجام وظیفه‌ی اصلی خود و عدم ورود به وظایف قضایی و اجرایی ضابطین، مصداق تحقق نظام اداری صحیح است. بنابراین، اعطای اختیار اجرایی و قضایی به نیروی مقاومت بسیج در این ماده، مغایر با اصل (۵۷) و بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است.

ج) نهادی می‌تواند مجوز ضابط شدن را صادر کند که خود نیز ماهیت و اختیارات ضابطیت را داشته باشد. از طرفی، ضابط و امور مرتبط با ضابط از وظایف و اختیارات قوه‌ی قضائیه محسوب می‌شود و به همین خاطر تنها قوه‌ی قضائیه می‌تواند مجوز ضابطیت را برای افراد صادر کند. این در حالی است که تبصره (۲) این ماده، به صراحت ستاد امر به معروف و نهی از منکر را که با توجه به ترکیب اعضای آن در ماده (۱۶) همین مصوبه، یک نهاد غیر قضایی است، مکلف کرده است که ضمن آموزش به اعضای بسیج، مجوز مخصوص برای ضابط شدن آنها را صادر کند. این موضوع به معنای مداخله در امور قضایی و وظایف قوه‌ی قضائیه قلمداد می‌شود و از این جهت تبصره‌ی مزبور مغایر با اصل استقلال قوا، موضوع اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با این اصل، قوای سه‌گانه از یکدیگر مستقلند و تحت نظر ولایت امر و امامت امت اداره می‌شوند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) هر چند مطابق با بند (۴) اصل (۱۱۰) قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح و بر اساس قسمت (ه) بند (۶) همین اصل، نصب و عزل فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مقام معظم رهبری است، لیکن بر اساس اصل (۱۵۰) قانون اساسی، حدود وظایف و قلمرو مسئولیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به‌وسیله‌ی «قانون» تعیین می‌شود. بنابراین، قوانین مصوب مجلس که در ارتباط با موضوع وظایف نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، تا زمانی که از سوی مقام معظم رهبری رد نشده باشند، قابل اجرا هستند. به همین خاطر این مصوبه که به عنوان «قانون»، وظیفه‌ی آموزش نیروهای بسیج را به‌عنوان ضابط امر به معروف و نهی از منکر و همچنین صدور مجوز مخصوص در این رابطه را بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است، مغایرتی با قانون

۴۱. به عنوان نمونه می‌توان به نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۷۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ شورای نگهبان در خصوص طرح تقویت مرزبانی مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که شورای نگهبان مفاد آن را بدین شرح دارای ابهام دانست: «... چون طرح مذکور مبتنی بر تغییرات ساختاری در نیروهای مسلح و ایجاد وظایف مرزبانی است، نیاز به اخذ تدابیر مقام معظم فرماندهی کل قوا (مدظله‌العالی) دارد. از این جهت که مشخص نیست آیا نظر معظم‌له اخذ شده است یا خیر، ابهام دارد؛ پس از ایفاد نظر حضرت ایشان، در مورد طرح اظهار نظر خواهد شد.» برای آگاهی کامل از محتوا و سیر مراحل این مصوبه، بنگرید به پرونده‌ی این مصوبه در سامانه‌ی جامع نظرات شورای نگهبان، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/e9wnH

اساسی ندارد. علاوه بر این، اصل (۸) قانون اساسی تعیین حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر را به موجب «قانون» دانسته است و حکم تبصره (۲) این ماده مبنی بر تجویز صدور مجوز مخصوص برای ستاد فوق‌الذکر یکی از مصادیق مشخص کردن حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر است. لذا این مصوبه‌ی قانونی که وظیفه‌ی آموزش نیروهای بسیج را بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده است، مغایرتی با بند (۴) و قسمت (ه) بند (۶) اصل (۱۱۰) قانون اساسی ندارد.

ب) بنا به تصریح ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج، نیروی مقاومت بسیج سپاه تنها در جرائم مشهود اجازه‌ی انجام اقدامات قانونی را دارد. بر این اساس، محدوده‌ی صدور مجوز برای «اقدام عملی» توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیز فقط در مقابل اقداماتی است که در قوانین جزایی جرم‌انگاری شده است. بنابراین، با توجه به تصریح ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج به «جرائم مشهود»، نمی‌توان تبصره (۲) این ماده را از آن جهت که ممکن است شامل صدور مجوز برای اقدام عملی در مقابل اقداماتی که در قوانین جرم‌انگاری نشده است نیز بشود، واجد ابهام دانست.

ج) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج و تبصره (۳) آن، نیروی مقاومت بسیج سپاه را در حکم ضابطان قوه‌ی قضائیه و با همان وظایف تلقی کرده است. بنابراین، از آنجا که تبصره (۲) این ماده در مقام اصلاح تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج است، مراد قانون‌گذار از «ضابطان امر به معروف و نهی از منکر» در تبصره (۲) این ماده، همان ضابطان قوه‌ی قضائیه و با همان وظایف و صلاحیت‌ها است. از این رو، با وجود ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج، اساساً نمی‌توان مراد از ضابطان در این تبصره را چیزی غیر از ضابطان قوه‌ی قضائیه دانست و این ماده را از این جهت، دارای اشکال و ابهام تلقی کرد.

دیدگاه ابهام

الف) با توجه به اینکه در تبصره (۲) این ماده موضوع اصلاح تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج، معلوم نیست آیا صدور مجوز برای «اقدام عملی» توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر صرفاً در مقابل اقداماتی است که در قوانین جزایی جرم‌انگاری شده است یا اینکه ستاد مذکور می‌تواند حتی در مقابل اقداماتی که در قوانین جرم‌انگاری نشده است نیز مجوز اقدام عملی صادر کند، این ماده دارای ابهام است. بدیهی است، در صورتی که منظور از این ماده معنای اخیر باشد، این ماده با اشکال مواجه خواهد بود؛ زیرا دامنه‌ی این ماده در مورد آن‌بخش از حرام‌ها و واجبهایی که در قوانین جزایی جرم‌انگاری نشده است، بسیار گسترده می‌شود.

ب) در تبصره (۲) این ماده مشخص نیست آیا منظور از «ضابطان امر به معروف و نهی از منکر» همان ضابطان قوه‌ی قضائیه و با همان وظایف و صلاحیت‌ها هستند یا اینکه منظور از آنان، غیر از ضابطان قوه‌ی قضائیه است. در صورتی که مراد از ضابطان در این تبصره چیزی غیر از ضابطان قوه‌ی قضائیه باشد این ماده با اشکال مواجه خواهد بود.

ج) طبق تبصره (۱) این ماده، وظیفه‌ی بسیج برای امر به معروف و نهی از منکر در مرحله‌ی زبانی، نافی «اقدام عملی» بسیج به عنوان ضابط قضایی نیست. از آنجا که در این تبصره، متعلق عبارت «اقدام عملی» مشخص نیست، این تبصره واجد ابهام است. توضیح آنکه در صورتی که متعلق اقدام عملی تنها اعمالی باشد که در قانون جرم‌انگاری شده‌اند، تبصره‌ی مزبور با اشکالی مواجه نیست، لیکن اگر متعلق اقدام عملی، فراتر از جرائم مندرج در قانون بوده و به معنای آن باشد که نیروی مقاومت بسیج در مقابل ترک واجباتی مانند نماز و یا انجام محرماتی مانند غیبت کردن نیز باید اقدام عملی انجام دهد، این تبصره دارای اشکال خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

- در تبصره (۲) ماده (۱۷)، صلاحیت ستاد در صدور مجوز مخصوص، با عنایت به اشکال ماده (۱۶)، مغایر اصل (۵۷) و نیز مغایر اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد. همچنین این تبصره، مبنیاً بر ابهام ماده (۴)، واجد ابهام می‌باشد.

- تذکر: در تبصره (۲) ماده (۱۷)، با اصلاح تبصره (۳) قانون مذکور، آثار تبصره سابق در آن قانون از بین رفته است. همچنین ظاهراً منظور از «تبصره (۳) قانون حمایت قضایی از بسیج»، تبصره (۳) ماده یک این قانون بوده است که باید اصلاح شود.

ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

- ۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد
 - ۲- وزیر کشور
 - ۳- وزیر اطلاعات
 - ۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - ۵- وزیر آموزش و پرورش
 - ۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
 - ۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت
 - ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر
 - ۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه
 - ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۳- رئیس سازمان بسیج
 - ۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه
 - ۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه
 - ۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خاوران
 - ۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد
- تبصره ۱- اشخاص دیگر نمی‌توانند به جای اعضای ستاد در جلسات شرکت کنند.
- تبصره ۲- مصوبات ستاد توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ و در چهارچوب این قانون لازم‌الاجراء است.

دیدگاه مغایرت

الف) بخشی از صلاحیت‌های مقرر در ماده (۱۶) این مصوبه برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر ماهیت اجرایی دارند و لذا طبق اصل (۶۰) قانون اساسی انجام این وظایف تنها در صلاحیت رئیس جمهور و وزرا است. این در حالی است که بر اساس ماده (۱۹)، ترکیب اعضای ستاد مزبور شامل غیر وزرا نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به حضور اعضای غیر وزیر در ترکیب این ستاد، واگذاری این صلاحیت‌ها به ستاد مذکور از آن جهت که دخالت در وظایف قوه‌ی مجریه است، مغایر با (۶۰) قانون اساسی است. علاوه بر این، این موضوع مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، قوای سه‌گانه در وظایف خود به صورت مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، حال آنکه ترکیب این ستاد مقتضی عدم استقلال قوه‌ی مجریه در انجام وظایف اجرایی خود و دخالت افراد خارج از قوه‌ی مجریه در این وظایف است. بدیهی است، در صورتی که در ترکیب این ستاد، اعضای غیر وزیر تنها نقش مشورتی و سیاست‌گذاری داشته باشند این ایراد برطرف خواهد شد.

ب) طبق ماده (۱۶) همین مصوبه نظارت بر حُسن اجرای این مصوبه بر عهده ستاد امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده است. این در حالی است که مطابق با بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، نظارت بر حُسن اجرای قوانین بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است و از آنجا که بر اساس ماده (۱۹) در ترکیب این ستاد افرادی عضویت دارند که جزء قوه قضائیه نیستند، تجویز اختیار نظارت بر حُسن اجرای این مصوبه به ستاد مذکور، مغایر با بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی است. ضمن آنکه این موضوع مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی مبنی بر مستقل بودن قوای سه‌گانه‌ی جمهوری اسلامی ایران در انجام وظایف خود از یکدیگر است.

ج) حکم مقرر در تبصره (۱) این ماده مبنی بر عدم امکان شرکت سایر اشخاص به جای اعضای ستاد در جلسات، در عمل موجب بروز مشکلات جدی برای این ستاد خواهد شد؛ زیرا گاهی مواقع، حضور شخصی اعضای ستاد در جلسات ممکن نیست و عدم امکان فرستادن نماینده توسط آن عضو، منجر به بروز اخلال در تصمیم‌گیری این ستاد راجع به مسئله‌ی خطیر امر به معروف و نهی از منکر خواهد شد.

د) مطابق با اصل (۱۱۳) قانون اساسی، رئیس جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌ی مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. بر همین مبنا، مسئولیت اجرای اصل (۸) این قانون در مورد امر به معروف و نهی از منکر نیز بر عهده قوه‌ی مجریه و شخص رئیس جمهور است؛ حال آنکه طبق مواد (۱۶) و (۱۹) این مصوبه، مسئولیت اجرای امر به معروف و نهی از منکر به ستادی متشکل از وزرا و غیر وزرا واگذار شده است. بنابراین، از آنجا که ترکیب ستاد مقرر در ماده (۱۹)، شامل غیر وزرا نیز می‌شود، این ماده مغایر با اصل (۱۱۳) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

مطابق با اصل (۸) قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت است. تدقیق در این اصل نشان می‌دهد که همگانی بودن امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی، مستلزم دلالت معنای دولت به معنای عام آن، یعنی همه‌ی نهادها و قوای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران اعم از قوای مجریه، مقننه و قضائیه است. به عبارت دیگر، از این اصل این‌گونه برداشت می‌شود که نهاد امر به معروف و نهی از منکر، نهادی فراقوه‌ای بوده و در صورتی که مسئولیت تصدی نهاد امر به معروف و نهی از منکر را دولت به معنای خاص (قوه‌ی مجریه) یا هر نهاد دیگری بدانیم، آنگاه موضوع وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به دولت (قوه‌ی مجریه) و نهادهای دیگر منتفی خواهد بود، که این موضوع با مفهوم اصل مذکور یعنی وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر مردم در مقابل دولت (قوه‌ی مجریه)، در تضاد است. بنابراین، از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی فراقوه‌ای است، ترکیب اعضای آن از نهادهای اجرایی، قضایی، تقنینی، فرهنگی و... مغایرتی با قانون اساسی ندارد. به بیان دیگر، با توجه به فراقوه‌ای بودن اجرای اصل (۸) نمی‌توان واگذاری مسئولیت اجرای امر به معروف و نهی از منکر به ستادی فراقوه‌ای مقرر در ماده (۱۹) را به معنای تداخل وظایف قوای سه‌گانه و در نتیجه، مغایر با اصول (۵۷)، (۱۵۶)، (۶۰) و (۱۱۳) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۱۹)، ترکیب ستاد با توجه به اطلاق وظایف این ستاد در ماده (۱۶)، مغایر اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۰- ستادهای استانی و شهرستانی وظایف محوله در چهارچوب این قانون را زیر نظر ستاد انجام می‌دهند.

اعضای ستاد استان عبارت است از:

۱- امام جمعه مرکز استان به عنوان رئیس ستاد

۲- استاندار

۳- مدیرکل اطلاعات استان

۴- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- مدیرکل آموزش و پرورش

۶- رئیس یکی از دانشگاه‌های استان با انتخاب رئیس ستاد

۷- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان

۸- دو نفر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان

۹- دادستان مرکز استان

۱۰- مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان

۱۱- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان

۱۲- مدیرکل صدا و سیما استان

۱۳- فرمانده ناجا در استان

۱۴- فرمانده ارشد سپاه در استان

۱۵- دبیر ستاد ائمه جمعه استان

۱۶- یک نفر از مدیران مدارس علمیه استان به انتخاب شورای حوزه‌های علمیه استان

۱۷- مدیر مدارس علمیه خواهران در استان

۱۸- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.

تبصره- ستاد استان، مسئولیت ستاد شهرستان مرکز استان را نیز عهده‌دار است.

اعضای ستاد شهرستان عبارتند از:

۱- امام جمعه مرکز شهرستان به عنوان رئیس ستاد شهرستان

۲- فرماندار

۳- رئیس اداره اطلاعات شهرستان

۴- مدیر آموزش و پرورش شهرستان

۵- رئیس یکی از دانشگاه‌های شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود

۶- مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان

۷- رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان

۸- نماینده یا نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی

۹- دادستان شهرستان

۱۰- رئیس واحد خبر در شهرستان

۱۱- رئیس اداره تبلیغات اسلامی

۱۲- فرمانده انتظامی شهرستان

۱۳- فرمانده سپاه

۱۴- یک نفر از مدیران مدارس علمیه شهرستان به انتخاب ستاد شهرستان در صورت وجود

۱۵- مدیر یکی از مدارس علمیه خواهران شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود

۱۶- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.

تبصره ۱- هر یک از اعضای ستادهای مذکور باید شخصاً در جلسات حضور پیدا کنند.

تبصره ۲- مصوبات ستاد در چهارچوب اختیارات موضوع این قانون توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ می‌شود که برای آنها لازم‌الاجراء است.

تبصره ۳- جلسات ستادهای موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون با حضور اکثریت مطلق اعضاء رسمیت می‌یابد و مصوبات آن منوط به رأی اکثریت مطلق حاضران است.

دیدگاه مغایرت

الف) بخشی از صلاحیت‌های مقرر در ماده (۱۶) این مصوبه برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر ماهیت اجرایی دارند و

لذا طبق اصل (۶۰) قانون اساسی انجام این وظایف تنها در صلاحیت رئیس جمهور و وزرا است. این در حالی است که بر اساس ماده (۱۹) این مصوبه ترکیب اعضای ستاد مزبور شامل غیر وزرا نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به حضور اعضای غیر وزیر در ترکیب این ستاد، حکم مقرر در ماده (۲۰) مبنی بر انجام وظایف محوله توسط ستادهای استانی و شهرستانی زیر نظر ستاد مذکور و واگذاری این صلاحیت‌ها به آن ستاد از آن جهت که دخالت در وظایف قوهی مجریه است، مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است. علاوه بر این، این موضوع مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، قوای سه‌گانه در وظایف خود به صورت مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند، حال آنکه ترکیب این ستاد مقتضی عدم استقلال قوهی مجریه در انجام وظایف اجرایی خود است.

ب) بخشی از صلاحیت‌های مقرر در ماده (۱۶) این مصوبه برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر ماهیت اجرایی دارند و لذا طبق اصل (۶۰) قانون اساسی انجام این وظایف تنها در صلاحیت رئیس جمهور و وزرا است. این در حالی است که در ماده (۲۰)، عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با داشتن حق رأی در ستادهای استانی و شهرستانی امر به معروف و نهی از منکر پیش‌بینی شده است. بر این اساس، به رسمیت شناختن عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ستادهای استانی و شهرستانی با داشتن حق رأی در ماده (۲۰)، مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۰) علاوه بر اشکالات ماده (۱۹)، عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ستادهای استانی و شهرستانی با حق رأی، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۳- اعتبارات اجرایی این قانون از محل بودجه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این قانون و جدول شماره (۱۷)- کمک به اشخاص حقوقی غیر دولتی، موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰ جدول شماره (۹) مربوط به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

طبق این ماده یکی از منابع تأمین اعتبارات اجرایی این مصوبه، محل بودجهی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این مصوبه دانسته شده است. این در حالی است که احکام این مصوبه در مواردی که تکلیفی قبلاً در صلاحیت دستگاه‌های اجرایی نبوده است و با این مصوبه، تکالیف جدیدی برای آن دستگاه‌ها مشخص شده است، منجر به افزایش هزینه‌ی عمومی در آن دستگاه‌ها می‌شود. از این رو، اطلاق حکم مقرر در این ماده مبنی بر تأمین اعتبارات این مصوبه از محل بودجهی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این مصوبه، نسبت به وظایفی که در این مصوبه به تکالیف قبلی دستگاه‌ها اضافه شده است، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا مطابق با این اصل، طرح‌های قانونی نمایندگان که به افزایش هزینه‌ی عمومی می‌انجامد، تنها در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد؛ و از آنجا که در این ماده، طریق تأمین افزایش هزینه‌ی عمومی دستگاه‌های مذکور معلوم نشده است، این ماده مغایر با اصل فوق‌الذکر است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۳)، اطلاق تأمین اعتبارات «از محل بودجه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این قانون» نسبت به وظایفی که در این قانون به تکالیف قبلی دستگاه‌ها اضافه شده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

ماده ۲۴- دستورالعمل اجرایی این قانون توسط ستاد حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون تصویب و ابلاغ می‌شود.

دیدگاه مغایرت

بر اساس اصل (۱۳۸) قانون اساسی، صلاحیت وضع آیین‌نامه‌ی اجرایی بر عهده‌ی هیئت وزیران و یا هر یک از وزرا گذاشته شده است. این در حالی است که مطابق با این ماده، تصویب و ابلاغ دستورالعمل اجرایی این مصوبه به ستاد امر به معروف و نهی از منکر واگذار شده است. بر این اساس، از آنجا که در این ماده منظور از «دستورالعمل اجرایی این قانون» همان آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون است، واگذاری تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی به ستاد مزبور مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) اصل (۱۳۸) قانون اساسی، وضع و تصویب «آیین‌نامه‌ی» قوانین را بر عهده‌ی هیئت وزیران و یا وزیر قرار داده است، لیکن در این ماده آنچه بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر گذاشته شده است، تصویب و ابلاغ «دستورالعمل» اجرایی این مصوبه است. دستورالعمل نیز موضوعی غیر از آیین‌نامه است و هر سازمان و نهادی می‌تواند برای پیشبرد امور اجرایی خود آن را تصویب کند. بنابراین، از آنجا که عبارت «دستورالعمل اجرایی» در این ماده غیر از تصویب آیین‌نامه‌ی موضوع اصل (۱۳۸) قانون اساسی است، این ماده مغایرتی با اصل (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

ب) مطابق اصل (۸) قانون اساسی، شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر را «قانون» تعیین می‌کند. از آنجا که این مصوبه به استناد اصل مذکور تعیین حدود و شرایط امر به معروف و نهی از منکر را به موجب این مصوبه بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر دانسته است، از باب قاعده‌ی اذن در شیء اذن به لوازم آن شیء نیز هست، این ماده تهیه و تصویب دستورالعمل اجرایی آن مصوبه را نیز بر عهده‌ی این ستاد قرار داده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار در این مصوبه قصد داشته است تا در راستای اصل (۸) قانون اساسی، علاوه بر واگذاری تعیین شرایط، حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر به ستاد امر به معروف و نهی از منکر، تصویب و ابلاغ آن را نیز بر عهده‌ی این ستاد قرار دهد. بنابراین، این ماده در راستای تحقق اصل هشتم قانون اساسی، تصویب دستورالعمل را بر عهده‌ی ستاد قرار داده و از این جهت مغایرتی با اصل (۱۳۸) قانون اساسی ندارد.

ج) اصل (۸) قانون اساسی، وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر و دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت دانسته است. بر همین اساس، نهاد امر به معروف و نهی از منکر، نهادی فراقوه‌ای است. بنابراین، تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های این نهاد نیز باید فراقوه‌ای و در اختیار خود ستاد امر به معروف و نهی از منکر باشد. بر این اساس، واگذاری تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی این مصوبه به ستاد مذکور، مغایرتی با اصل (۱۳۸) قانون اساسی مبنی بر صلاحیت هیئت وزیران در تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی قوانین ندارد.

دیدگاه ابهام

این ماده تهیه‌ی دستورالعمل اجرایی این مصوبه را بر عهده‌ی ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است، لیکن در این ماده، عبارت «دستورالعمل اجرایی» دارای ابهام است و معلوم نیست آیا منظور از آن همان آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون است یا خیر. بدیهی است، در صورتی که منظور از دستورالعمل اجرایی، آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون باشد، واگذاری تصویب آن به ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مغایر با اصل (۱۳۸) قانون اساسی خواهد بود؛ زیرا مطابق با این اصل، صلاحیت تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی به عهده‌ی هیئت وزیران و یا هر یک از وزرا گذاشته شده است. بنابراین، باید منظور از «دستورالعمل اجرایی» مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت این ماده با اصل (۱۳۸) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۴)، مغایر موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ (مرحله دوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ و ۱۳۹۳/۱۲/۶

[ماده (۱) و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱- در این قانون، معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده است. تبصره- در احکام حکومتی، نظر مقام ولی فقیه ملاک عمل خواهد بود.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ماده (۱) سابق، عرف متشرّعه را هم‌عرض با شرع مقدس و قوانین، به عنوان یکی از منابع شناسایی و تعریف مصادیق معروف و منکر قلمداد کرده بود که شورای نگهبان، اطلاق «عرف متشرّعه» را در مواردی که برای آن حکم شرعی اولی و یا ثانوی وجود نداشته باشد، خلاف موازین شرع تشخیص داد. در حال حاضر، با توجه به حذف عبارت «عرف متشرّعه» از ماده (۱) اصلاحی، این ایراد موضوعاً منتفی شده است و این ماده از این جهت، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ب) با عنایت به اینکه در تبصره‌ی اصلاحی، نظر ولی فقیه را صرفاً در «احکام حکومتی» ملاک عمل دانسته است، ایراد قبلی شورا مبنی بر مغایرت این ماده با موازین شرع برطرف شده است؛ زیرا در تبصره‌ی پیشین، آنچه مورد ایراد شورا قرار گرفت، اطلاق حکم این تبصره، مبنی بر ملاک عمل بودن نظر ولی فقیه در کلیه احکام شرعی اختلافی بود که موجب می‌شد امر یا ناهی در کلیه احکام شرعی و حتی در احکام غیر حکومتی، ملزم به تبعیت از فتوای ولی فقیه باشد و فتوای مرجع تقلید خود را نادیده بگیرد. با توجه به برطرف شدن این ایراد در تبصره‌ی اصلاحی، این تبصره مغایرتی با موازین شرع ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱) و تبصره‌ی آن، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.

دیدگاه مغایرت

الف) این ماده اقدام عملی در مقام امر به معروف و نهی از منکر را فقط وظیفه‌ی دولت - به معنای قوه‌ی مجریه- دانسته است. این در حالی است که از نظر شرعی، در برخی از شرایط از جمله دفاع از جان، مال یا ناموس خود و یا دیگری، اقدام عملی برای افراد در مقام مقابله‌ی با مهاجم جایز است. بر همین اساس، قانون‌گذار در ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،^{۴۲} دفاع

^{۴۲} ماده (۱۵۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۶- هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:
الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.
ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.
ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- «...»

مشروع را یکی از عوامل موجهی جرم تلقی کرده است. بنابراین، در این ماده انحصار مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر به دولت در مواردی که از جهت شرعی اقدام عملی توسط مردم جایز دانسته شده است، خلاف موازین شرع است.

ب) مطابق با اصل (۹) قانون اساسی، حفظ آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور وظیفه‌ی دولت و آحاد ملت است. بر این اساس، ممکن است دولت یا مقامات انتظامی بنا به دلایلی همچون غفلت یا عدم حضور نتوانند وظیفه‌ی خود در راستای حفظ ارزش‌های مذکور و امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، که در این گونه موارد به استناد وظیفه‌ای که اصل مذکور بر عهده‌ی آحاد ملت گذاشته است، مردم باید اقدام عملی لازم را در راستای امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند. این در حالی است که ماده (۴) این مصوبه چنین اجازه‌ای را نداده است؛ زیرا مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر را به نحو مطلق بر عهده‌ی دولت گذاشته شده است. ضمن آنکه امر به معروف و نهی از منکر، طبق اصل (۸) قانون اساسی، یک وظیفه‌ی همگانی و متقابل مردم و دولت است و دایره‌ی آن گسترده و شامل تمامی مراتب گفتاری، نوشتاری و عملی است. بنابراین، در این ماده انحصار انجام مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر به دولت، مغایر با اصول (۸) و (۹) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با عنایت به اینکه طبق ماده (۴) اصلاحی، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر صرفاً در حدودی که قوانین مقرر کرده است بر عهده‌ی دولت گذاشته شده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر مشخص نبودن محدوده‌ی وظیفه‌ی دولت در مرتبه‌ی عملی برطرف شده است.

ب) مطابق با قواعد اصولی، الفاظ بر معنای عرفی خود دلالت دارند. لذا این ماده در مقام نفی اقدام عملی مردم در مواردی همچون دفاع مشروع که از نظر شرعی و قانونی اجازه‌ی اقدام به آنان داده شده است نیست؛ زیرا عرفاً به دفاع مشروع، نهی از منکر اطلاق نمی‌شود. به عبارت دیگر، حکم ذیل ماده‌ی مذکور مبنی بر منحصر بودن اقدام عملی به دولت، تنها در خصوص اقدام عملی در مقام امر به معروف و نهی از منکر است و از جهت عرفی، دفاع مشروع نهی از منکر نیست تا حکم ذیل این ماده به آن تسری یابد، به گونه‌ای که افراد از حق دفاع مشروع که گاه مستلزم اقدامات عملی است، محروم شوند. بنابراین، از آنجا که این ماده در صدد نفی اقدام عملی افراد در مواردی همچون دفاع مشروع نیست، این ماده مغایر با موازین شرع نیست.

ج) بنا بر تصریح این ماده، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر «در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده» بر عهده‌ی دولت است؛ لذا با این عبارت، قانون‌گذار اقدام افراد جامعه در مواردی همچون دفاع مشروع و مقابله با متجاوز را نفی نکرده است و بر این اساس، نمی‌توان گفت وظیفه‌ی اقدام عملی حتی در این گونه موارد به دولت واگذار شده است. بنابراین، از آنجایی که دولت تنها در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده است صلاحیت اقدام عملی را دارد، اقدام در مواردی همچون دفاع مشروع که شرعاً و قانوناً به خود مردم واگذار شده است، مشمول حکم این ماده نیست و از این رو، این ماده مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

د) مطابق با فتوای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مواقعی که حکومت اسلامی تشکیل یافته است، مرتبه‌ی عملی امر به معروف و نهی از منکر تنها بر عهده‌ی دولت است.^{۴۳} بر همین مبنا این مصوبه نیز برای جلوگیری از هرج و مرج و اختلال در نظم عمومی، در اجرای مرتبه‌ی عملی در امر به معروف و نهی از منکر، تنها دولت را صالح به انجام این مرتبه دانسته است. بنابراین،

۴۳. «با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان دیگر مراتب امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر، به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی‌ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند، و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل (قدس سره) در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است که در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.» (بخش استفتانات پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قابل مشاهده در نشانی

نمی‌توان این ماده را مغایر با اصول (۸) و (۹) قانون اساسی دانست.

ه) مراد از اصل (۹) قانون اساسی آن نیست که تک تک افراد جامعه باید در راستای حفظ آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور به صورت بالفعل اسلحه به‌دست گرفته و از کشور دفاع کنند، بلکه در کشور برای این منظور نهادهایی مانند ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی تشکیل شده است که افراد آن از همان آحاد مردم انتخاب شده‌اند. از این رو، واگذاری وظیفه‌ی حفظ آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور به آحاد مردم در این اصل به معنای تجویز اقدام عملی امر به معروف و نهی از منکر برای تک تک مردم نیست؛ زیرا چنین برداشتی به معنای تجویز هرج و مرج در کشور به بهانه‌ی حفظ آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور و امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. بنابراین، اصل مذکور اساساً ارتباطی با موضوع امر به معروف و نهی از منکر ندارد و لذا نمی‌توان این ماده را مغایر با اصل (۹) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.
تبصره- ...

دیدگاه عدم مغایرت

در ماده‌ی سابق، به نحو مطلق اجازه‌ی مراجع قضایی، عامل جواز تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده بود. لذا شورای نگهبان اطلاق این صلاحیت برای مراجع قضایی را در مواردی که حکم مرجع قضایی مطابق با قانون یا شرع نیست، واجد ایراد دانسته بود. حال با توجه به حذف عبارت «حکم مرجع قضایی» از جمله‌ی ذیل این ماده، ایراد قبلی شورا در این خصوص موضوعاً منتفی شده است و این ماده با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۷- مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد.
تبصره- ...

دیدگاه عدم مغایرت

ماده‌ی سابق «مجازات» اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر می‌کنند را «قابل تعویق» ندانسته بود؛ حال آنکه بر اساس قانون مجازات اسلامی، تنها «صدور حکم به مجازات»، قابل تعویق نیست و نه خود مجازات. لذا با عنایت به اینکه در ماده (۷) اصلاحی، «صدور حکم به مجازات» غیر قابل تعلیق دانسته شده است، تذکر قبلی شورا در خصوص این موضوع مورد توجه قرار گرفته و اصلاح شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۸- مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چهارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه طبق ماده‌ی اصلاحی، مردم تنها «در چارچوب شرع و قوانین» می‌توانند نسبت به افراد حقیقی و حقوقی موضوع این ماده امر به معروف و نهی از منکر کنند، ایراد قبلی شورا مبنی بر عدم تعیین حدود و شرایط امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم در این ماده، برطرف شده است و این ماده با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۸)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۹- اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می‌گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوق یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند، علاوه بر محکومیت‌های اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

تبصره- وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه کل کشور با پیش‌بینی در بودجه سالانه، صد درصد (۱۰۰٪) در اختیار ستاد قرار می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

بر اساس تبصره‌ی الحاقی به این ماده، صد درصد (۱۰۰٪) از درآمد حاصل از اجرای این ماده به صورت سالانه به ستاد امر به معروف و نهی از منکر اختصاص می‌یابد. گرچه این تبصره به منظور رفع ایراد ماده (۱۳) این مصوبه مبنی بر مغایرت آن با اصل (۷۵) قانون اساسی الحاق شده است، لیکن از آنجا که این موضوع دارای ماهیت بودجه‌ای است و دولت نیز با این مصوبه، ملزم به پیش‌بینی این امر در بودجه‌ی سالانه می‌شود، این تبصره مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، لایحه‌ی بودجه‌ی کل کشور صرفاً توسط «دولت» تهیه و تنظیم شده و برای تصویب به مجلس تقدیم می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه این تبصره صلاحیت دولت در تنظیم لایحه‌ی بودجه را محدود می‌کند، مغایر با اصل (۵۲) قانون اساسی است. لازم به توضیح است که عبارت

«پیش‌بینی» در تبصره‌ی مزبور، نافی الزام دولت به تخصیص اعتبارات به ستاد امر به معروف و نهی از منکر نیست.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه بر اساس ماده (۹) اصلاحی، ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر تنها در صورتی مستوجب مجازات موضوع این ماده دانسته شده است که آن مانع «به موجب قانون جرم شناخته شده باشد»، ایراد قبلی شورا مبنی بر عدم تعیین دقیق شرایط و حدود جرم‌انگاری انجام‌شده در این ماده برطرف شده است.

ب) مستفاد از واژه‌ی «پیش‌بینی» در این تبصره آن است که قانون‌گذار در مقام الزام دولت به اختصاص درآمد حاصل از اجرای این ماده به ستاد امر به معروف و نهی از منکر در بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور نبوده است، بلکه این اختیار را به خود دولت واگذار کرده است که در صورت صلاحدید، این موضوع را در بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی کند. بنابراین، این تبصره صلاحیت دولت در تنظیم لایحه‌ی بودجه و تخصیص اعتبارات سالانه‌ی کشور را محدود نکرده است و از این جهت، مغایرتی با اصل (۵۲) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۱- قوه قضائیه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرائم موضوع این قانون، شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد.

تبصره- آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت‌های قضایی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی^{۴۴} می‌گردند.

دیدگاه عدم مغایرت

مجلس شورای اسلامی با اضافه کردن یک تبصره به ماده (۱۱)، مراد از «معاضدت قضایی» از آمران به معروف و ناهیان از منکر که در ماده‌ی سابق آمده بود را مشخص کرده است و بیان کرده که منظور از این معاضدت، بهره‌مندی از حمایت‌های موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضایی از بسیج است. از این‌رو، ابهام پیشین شورای نگهبان در خصوص مراد از «معاضدت قضایی» در این ماده، که طبق یک برداشت به معنای نفی استقلال و بی‌طرفی قوه‌ی قضائیه نسبت به طرفین دعوا و بالتیجه، مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی بود، برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۱)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۱۳) و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

^{۴۴} ماده (۴) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- به منظور حمایت از افراد موضوع این قانون، دفاتر حمایت و خدمات حقوقی و قضایی بسیجیان در نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ارتباط با اجرای این قانون تشکیل می‌گردد. تبصره- کارشناسان حقوقی این دفتر بدون الزام به کسب پروانه وکالت از کانون وکلا می‌توانند در کلیه مراحل دادرسی از طرف افراد مذکور، به عنوان وکیل اقدام کنند.»

ماده ۱۳- در مواردی که نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به دلیل عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت می شود.

تبصره- هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می تواند رأساً به قائم مقامی مجنی علیه نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضایی اقدام کند.

دیدگاه مغایرت

مطابق با موازین شرعی، قائم مقام یا وکیل برای انجام هر امری باید از سوی اصیل و موکل خود اذن داشته باشد. این در حالی است که تبصره‌ی این ماده بدون اشاره به اذن مجنی علیه یا ولی دم او، ستاد امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان قائم مقام مجنی علیه یا ولی دم او تعیین کرده است تا بتواند دیه و خسارات مربوطه را از طریق محاکم قضایی از جانی وصول کند. بنابراین، از آنجا که در این تبصره استیفای دیه و خسارات مربوطه توسط ستاد منوط به استیذان از مجنی علیه یا ولی دم وی نشده است، این تبصره مغایر با موازین شرع است. گفتنی است، صرف تقاضای دیه توسط مجنی علیه یا ولی دم او به معنای اذن ایشان به ستاد برای استیفای دیه و خسارات مربوطه از جانی نیست؛ زیرا چنین تقاضایی اعم از اذن و عدم اذن است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) طبق این ماده پرداخت دیه از محل تبصره‌ی ماده (۹) این مصوبه منوط به تقاضای مجنی علیه یا ولی دم او است و مستفاد از این تقاضا آن است که ایشان به طور ضمنی حق خود را انتقال داده و به ستاد مذکور جهت استیفای دیه و خسارات مربوطه از جانی اذن داده اند. بنابراین، از آنجا که از سیاق متن ماده، اذن ضمنی مجنی علیه یا ولی دم او به ستاد قابل برداشت است، حکم تبصره‌ی این ماده مبنی بر وصول دیه و خسارات مربوطه از جانی توسط ستاد به قائم مقامی از مجنی علیه یا ولی دم وی با اشکالی مواجه نیست.

ب) طبق ماده‌ی سابق، در صورت وقوع جنایت بر آمر به معروف و یا ناهی از منکر، محل تأمین دیه‌ی مجنی علیه، صندوق موضوع ماده (۱۰) قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث تعیین شده بود. لیکن از آنجایی که مطابق با قوانین مختلف، این صندوق دارای مصارف معین و مشخص بود، شورای نگهبان محل تعیین شده برای تأمین هزینه‌های این ماده را واقعی و کافی ندانست و این ماده را به دلیل افزایش هزینه‌های عمومی مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی شناخت. حال با عنایت به اینکه طبق تصریح ماده‌ی اصلاحی، دیه‌ی افراد موضوع این ماده از محل تبصره‌ی ماده (۹) این مصوبه^{۴۵} پرداخت می شود، ایراد قبلی شورا مبنی بر معلوم نبودن محل پرداخت دیه به افراد موضوع این ماده و در نتیجه، افزایش هزینه‌های عمومی دولت برطرف شده است.

ج) با توجه به اینکه طبق ماده‌ی اصلاحی، پرداخت دیه به مجنی علیه یا ولی دم وی منوط به صدور حکم قطعی توسط مرجع صالح قضایی شده است، تذکر قبلی شورا مبنی بر عدم تصریح این ماده به صدور حکم به پرداخت دیه توسط مرجع صالح قضایی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

مسامحه در تنظیم عبارت ماده (۱۳) و تبصره آن، موجب بروز اشکال گردیده است؛ چنانچه مجنی علیه یا ولی وی حسب مورد جهت استیفاء دیه به ستاد اذن دهند، اشکال مرتفع خواهد شد.

۴۵. «ماده ۹- ...»

تبصره- وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه کل کشور با پیش‌بینی در بودجه سالانه، صد درصد (۱۰۰٪) در اختیار ستاد قرار می‌گیرد.»

[ماده (۱۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۴- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند مطابق ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن^{۴۶} اقدام کنند.

دیدگاه مغایرت

به رغم اصلاحات انجام‌شده در ماده (۱۴)، مغایرت این ماده با اصل (۱۵۶) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است. توضیح آنکه شورای نگهبان در مرحله‌ی پیشین، اعطای صلاحیت اقامه‌ی دلیل در تمامی مراحل دادرسی به سازمان‌های مردم‌نهاد که فاقد مقام یا سمت قضایی هستند را واجد اشکال دانسته بود. حال با ارجاع ماده‌ی اصلاحی به متن ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری، این ایراد همچنان باقی است؛ زیرا در ماده (۶۶)، حق اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی برای سازمان‌های مزبور پیش‌بینی شده است. این در حالی است که مطابق با اصل (۱۵۶) قانون اساسی، حل و فصل دعاوی، رسیدگی و صدور حکم و در نتیجه اقامه‌ی دلیل از وظایف قوه‌ی قضائیه است. بنابراین، با توجه به فقدان سمت سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص اقامه‌ی دلیل در محاکم، اعطای چنین اختیاری به ایشان مغایر با اصل (۱۵۶) قانون اساسی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) ایرادی که شورای نگهبان در مرحله‌ی پیشین به ماده (۱۴) گرفت، از این جهت بود که سازمان‌های مردم‌نهاد را در کلیه جرائم، حتی جرائمی که شاکی خصوصی دارد، به طور مطلق، نسبت به اعلام جرم محق اعلام کرده بود که اطلاق چنین صلاحیتی، مغایر با حق بزه‌دیده خصوصی دانسته شد. در حال حاضر، با عنایت به اینکه ذیل ماده‌ی (۱۴) اصلاحی، اقدام این سازمان‌ها را مطابق با ماده (۶۶) و تبصره‌های آن دانسته است، و با توجه به اینکه تبصره (۱) ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری، اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای حیثیت خصوصی را مقید به کسب اجازه و رضایت از بزه‌دیدگان کرده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر اعطای صلاحیت اعلام جرم به سازمان‌های موضوع این ماده حتی نسبت به جرائمی که صرفاً جنبه‌ی خصوصی دارند برطرف شده است؛ چه آنکه هم‌اینک در این‌گونه جرایم، سازمان‌های مردم‌نهاد صرفاً پس از کسب اجازه از بزه‌دیدگان می‌توانند اعلام جرم کنند.

ب) با توجه به اینکه شورای نگهبان پیش‌تر اصل ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری را تأیید کرده است، نمی‌توان ارجاع ماده (۱۴) اصلاحی به ماده (۶۶) را با اشکالی مواجه دانست؛ ضمن آنکه وقتی یک سازمانی بر اساس قانون، شخصیت حقوقی پیدا کند همانند اشخاص حقیقی، در محدوده‌ی اجازه‌ی قانون حق آوردن دلیل و اقامه‌ی دعوا را نیز پیدا می‌کند. بنابراین، حکم ذیل این ماده

^{۴۶} ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۶- سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند. تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع‌شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده، طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند. تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه کنند. تبصره ۳- اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت، سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن، تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.»

مبنی بر اقدام این سازمان‌ها مطابق با ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن، فاقد اشکال است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۴)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۱۵) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۵- هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می‌کند، آسیب جسمی یا جانی وارد شود، حسب مورد آسیب جسمی و جانی مزبور منطبق با قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین‌نامه اجرایی آن احراز و تعیین می‌شود.

تبصره- احراز شهادت یا جانبازی با پیشنهاد کمیته کشوری متشکل از نمایندگان: قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد با تشخیص دادگاه صلاحیتدار صورت می‌گیرد.

دیدگاه مغایرت

در ماده (۱۵) اصلاحی، آسیب‌دیدگان جسمی و جانی ناشی از اقامه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را حسب مورد منطبق بر قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن دانسته است. در تبصره‌ی بند (الف) ماده (۱) قانون مذکور،^{۴۷} احراز مصادیق ایثارگری را به آیین‌نامه‌ی هیئت وزیران موکول کرده است. هیئت وزیران نیز در بند (۱۵) ماده (۲) آیین‌نامه‌ی تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری (مفقودالثر، جانباز، آزاده و اسیر) مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۴ هیئت وزیران،^{۴۸} تنها کسی را که در جهت امر به معروف و نهی از منکر کشته شده است، شهید و ایثارگر دانسته که مشمول خدمات ایثارگری شود. این در حالی است که ماده (۱۵) این مصوبه، آیین‌نامه‌ی مزبور را توسعه داده است؛ زیرا این ماده کسانی که در حال انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر آسیب جسمی دیده و دچار نقصان جسمی و روانی شده‌اند را نیز مشمول خدمات جامع ایثارگران دانسته است. ممکن است برخی به استناد بند (۳) ماده (۱) آیین‌نامه‌ی فوق‌الذکر^{۴۹} - که به تعریف جانباز پرداخته و کسانی را که دچار اختلالات و نقص‌های جسمی یا روانی شده‌اند را جانباز دانسته

^{۴۷} ماده (۱) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱- تعاریف الف- ایثارگر در این قانون به کسی اطلاق می‌گردد که برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انجام وظیفه نموده و شهید، مفقودالثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده شناخته شود.

تبصره- احراز مصادیق ایثارگری و تشخیص از کارافتادگی مشمولان این قانون در چارچوب قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با همکاری بنیاد و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ب- ...»

^{۴۸} ماده (۲) آیین‌نامه تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری (مفقودالثر، جانباز، آزاده و اسیر) مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۴ هیئت وزیران: «ماده ۲- افراد و کارکنان مشمول بندهای زیر شهید محسوب می‌شوند:

۱- ...

۱۵- افرادی که به تشخیص دادگاه صلاحیتدار در حال انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر کشته می‌شوند.»

^{۴۹} ماده (۱) آیین‌نامه‌ی تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری (مفقودالثر، جانباز، آزاده و اسیر) مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۴ هیئت وزیران: «ماده ۱- در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح به کار می‌روند:

۱- شهید: ...

۳- جانباز: کسی که سلامتی خود را در راه تکوین، شکوفایی، دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی ایران، استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضد انقلاب و اشرار از دست داده و به اختلالات و نقص‌های جسمی یا روانی دچار شود.»

است- منکر این توسعه باشند؛ حال آنکه تنها در صورتی که این بند همچون بند (۱۵) ماده (۲) این آیین‌نامه به آسیب جسمی و روانی در جریان امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کرد، توسعه‌ی مصادیق آیین‌نامه منتفی بود، لیکن از آنجا که بند (۳) ماده (۱) آیین‌نامه به آسیب جسمی و روانی در حال انجام فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر تصریح نکرده است، این ماده مصادیق آیین‌نامه‌ی مذکور را توسعه داده است. بنابراین، از آنجا که قانون‌گذار شمول دریافت‌کنندگان خدمات ایثارگری را به آسیب‌دیدگان جسمی و روانی نیز توسعه داده است، این موضوع باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌شود و از آنجا که در این ماده، محل تأمین هزینه‌های مزبور مشخص نشده است، این ماده مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا بر اساس این اصل، طرح‌های نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود تنها در صورتی قابل طرح در مجلس هستند که در آن محل تأمین آن هزینه‌ها مشخص شده باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

طبق بند (۳) ماده (۱) آیین‌نامه‌ی تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری، کسی که سلامتی خود را در راه تکوین، شکوفایی، دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی از دست داده و به اختلالات و نقص‌های جسمی یا روانی دچار شده است، جانباذ تلقی شده است. بی‌تردید یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است. لذا کسی که در حال انجام این فریضه دچار آسیب جسمی و روانی شده است، در واقع سلامتی خود را در راه دفاع و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی از دست داده است. بنابراین، از آنجا که ماده (۱۵) این مصوبه تحت حکم عام بند (۳) ماده (۱) آیین‌نامه‌ی تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، در حکم شهید و سایر مصادیق ایثارگری، قرار می‌گیرد نمی‌توان گفت این ماده، آیین‌نامه‌ی مزبور را توسعه داده است. لذا از آنجا که توسعه‌ی آیین‌نامه فوق‌الذکر منتفی است، ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی نیز سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۵)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۱۶) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود، به منظور هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، سیاست‌گذاری، تعیین اولویت‌ها، ترویج و آموزش، اقامه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای سایر وظایف اقدام می‌نماید. تبصره ۱- وزارت کشور پس از کسب نظر ستاد، نسبت به صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر قصد فعالیت دارند، اقدام می‌کند.

تبصره ۲- ستادهای استانی و شهرستانی می‌توانند درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع و راهپیمایی در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را بررسی و در صورت تأیید، مراتب را جهت صدور مجوز حسب مورد به استانداری، فرمانداری یا بخشداری ارسال کند. هرگاه مراجع یادشده بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع این تبصره و تبصره (۱) استنکاف کنند، مستکف، مستوجب مجازات موضوع ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)^{۵۰} می‌باشد.

تبصره ۳- ستاد موظف است اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص عفاف و حجاب را پیگیری کند. تبصره ۴- وظایف ستاد نافی مسئولیت‌های وزرا، مسئولان دستگاه‌های اجرایی ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری،

۵۰. ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۷۰- هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در ارتباط با آنچه در این قانون مقرر شده نمی‌باشد.

دیدگاه مغایرت

الف) شورای نگهبان ماده‌ی سابق را با توجه به ترکیب اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر و وظایف اجرایی و قضایی که در این ماده برای آن ستاد پیش‌بینی شده بود، مغایر با اصول (۵۷)، (۶۰) و بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی دانست. در حال حاضر، هر چند با اصلاحات انجام‌گرفته در این ماده، برخی از این ایرادهای شورا از جمله مغایرت با بند (۳) اصل (۱۵۶) قانون اساسی رفع شده است، لیکن این ماده همچنان مغایر با اصول (۶۰) و (۵۷) قانون اساسی است؛ زیرا پیش‌بینی وظایفی همچون هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، سیاستگذاری، صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد و لزوم تأیید تجمعات و راهپیمایی‌های موضوع تبصره (۲) برای این ستاد، به دلیل ماهیت اجرایی آنها به معنای دخالت در وظایف قوه‌ی مجریه و در نتیجه، نقض اصل استقلال قوا است.

ب) طبق تبصره (۱) اصلاحی این ماده، یکی از وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر را بررسی درخواست‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای راهپیمایی و تجمع در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر و در صورت تأیید، ارجاع آن حسب مورد به استانداری، فرمانداری یا بخشداری جهت صدور مجوز دانسته است. این در حالی است که مطابق با اصل (۲۷) قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد دانسته شده است. لذا تقیید برگزاری راهپیمایی و تجمعات به بررسی و صدور مجوز از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر و زیرمجموعه‌های وزارت کشور، مغایر با اطلاق اصل (۲۷) قانون اساسی مبنی بر آزادی تجمعات و راهپیمایی‌ها است.

دیدگاه ابهام

عبارت «سایر وظایف» در صدر ماده (۱۶) اصلاحی، از این جهت که مشخص نیست وظایف مزبور از مصادیق وظایفی است که جزء وظایف قوای سه‌گانه است یا خیر، واجد ابهام است. در صورتی که منظور از «سایر وظایف» وظایف مربوط به قوای سه‌گانه باشد، آنگاه ماده‌ی مزبور به علت اینکه مستلزم دخالت این ستاد در وظایف قوای سه‌گانه است مغایر با اصل (۵۷) قانون اساسی و به تبع، اصول (۶۰) و (۱۵۷) قانون اساسی خواهد بود. بنابراین، باید منظور از «سایر وظایف» در این ماده مشخص شود تا بتوان نسبت به مغایرت و یا عدم مغایرت ماده‌ی مزبور با اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۵۶) قانون اساسی اظهار نظر کرد.

نظر شورای نگهبان

- در ماده (۱۶) و تبصره‌های (۱) و (۲) آن، علی‌رغم اصلاحات به عمل آمده، ایراد قبلی این شورا مربوط به وظایف اجرایی، کماکان وجود دارد. به علاوه عبارت «اجرای سایر وظایف» در این ماده، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.
- در خصوص تبصره‌های (۳) و (۴) ماده (۱۶)، چون اصلاحی به عمل نیامده است و با توجه به ایرادات معموله در ماده (۱۶)، اشکال سابق این شورا کماکان وجود دارد.

[ماده (۱۷) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۷- سازمان بسیج مستضعفین موظف است با به‌کارگیری آحاد بسیجیان در چهارچوب قوانین نسبت به فرهنگ‌سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کند.

تبصره ۱- مفاد این ماده نافی مسئولیت ضابطان قضایی بسیج در مواردی که در قانون پیش‌بینی شده است، نمی‌باشد.

تبصره ۲- تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۳- ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به معروف و نهی

از منکر موضوع ماده (۴) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین

به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) با توجه به اینکه در تبصره (۱) ماده (۱۷) اصلاحی، عبارت «مرتبه‌ی اقدام عملی» حذف و به جای آن عبارت «در مواردی که در قانون پیش‌بینی شده است» آمده است، ابهام قبلی شورا مبنی بر اینکه در این تبصره معلوم نبود آیا صدور مجوز برای «اقدام عملی» توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر صرفاً در مقابل اقداماتی است که در قوانین جزایی جرم‌انگاری شده است یا اینکه آن ستاد می‌تواند حتی در مقابل اقداماتی که در قوانین جرم‌انگاری نشده است نیز مجوز اقدام عملی صادر کند، برطرف شده است. ب) با عنایت به اینکه عبارت «و برای آنها مجوز مخصوص صادر کند» از تبصره (۳) ماده (۱۷) اصلاحی حذف شده است، ایراد پیشین شورای نگهبان مبنی بر مغایرت اعطای صلاحیت صدور مجوز به ستاد امر به معروف و نهی از منکر با اصول (۵۷) و (۱۱۰) قانون اساسی موضوعاً منتفی شده است. بنابراین، این ماده با اشکالی مواجه نیست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۷)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[با عنایت به اصلاح ماده (۱۶)، ایراد ماده (۱۹) رفع شد.]

ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

- ۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد
 - ۲- وزیر کشور
 - ۳- وزیر اطلاعات
 - ۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - ۵- وزیر آموزش و پرورش
 - ۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
 - ۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت
 - ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر
 - ۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه
 - ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۳- رئیس سازمان بسیج
 - ۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه
 - ۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه
 - ۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خواهران
 - ۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد
- تبصره ۱- اشخاص دیگر نمی‌توانند به جای اعضای ستاد در جلسات شرکت کنند.
- تبصره ۲- مصوبات ستاد توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ و در چهارچوب این قانون لازم‌الاجراء است.

دیدگاه مغایرت

شورای نگهبان ماده‌ی سابق را با توجه به ترکیب اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر و وظایف اجرایی و قضایی که در

ماده (۱۶) این مصوبه برای آن ستاد پیش‌بینی شده بود، مغایر با اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی دانسته بود. بر این اساس، از آنجا که از طرفی، ترکیب اعضای این ستاد نسبت به ماده‌ی سابق تغییری نکرده است و از طرف دیگر، در ماده (۱۶) همچنان وظایفی بر عهده‌ی این ستاد گذاشته شده است که ماهیت اجرایی دارد، ایراد قبلی شورا نسبت به این ماده، مبنیاً بر استدلالی که در خصوص مغایرت ماده (۱۶) این مصوبه با قانون اساسی گفته شد، کماکان به قوت خود باقی است.

نظر شورای نگهبان

با عنایت به اینکه اشکال ماده (۱۶) رفع نگردیده است، بنابراین ایراد سابق این شورا در خصوص ماده (۱۹)، کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۰- ستادهای استانی و شهرستانی وظایف محوله در چهارچوب این قانون را زیر نظر ستاد انجام می‌دهند.

اعضای ستاد استان عبارت است از:

۱- امام جمعه مرکز استان به عنوان رئیس ستاد

۲- استاندار

۳- مدیرکل اطلاعات استان

۴- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- مدیرکل آموزش و پرورش

۶- رئیس یکی از دانشگاه‌های استان با انتخاب رئیس ستاد

۷- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان

۸- دو نفر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان به عنوان ناظر

[در انتهای بند (۸)، عبارت «به عنوان ناظر» اضافه می‌شود.]

۹- دادستان مرکز استان

۱۰- مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان

۱۱- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان

۱۲- مدیرکل صدا و سیما استان

۱۳- فرمانده ناجا در استان

۱۴- فرمانده ارشد سپاه در استان

۱۵- دبیر ستاد ائمه جمعه استان

۱۶- یک نفر از مدیران مدارس علمیه استان به انتخاب شورای حوزه‌های علمیه استان

۱۷- مدیر مدارس علمیه خواهران در استان

۱۸- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.

تبصره- ستاد استان مسئولیت ستاد شهرستان مرکز استان را نیز عهده‌دار است.

اعضای ستاد شهرستان عبارتند از:

۱- امام جمعه شهرستان به عنوان رئیس ستاد شهرستان

[در بند (۱)، کلمه «مرکز» حذف می‌شود.]

۲- فرماندار

۳- رئیس اداره اطلاعات شهرستان

- ۴- مدیر آموزش و پرورش شهرستان
- ۵- رئیس یکی از دانشگاه‌های شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
- ۶- مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان
- ۷- رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان
- ۸- نماینده یا نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
[در انتهای بند (۸)، عبارت «به عنوان ناظر» اضافه می‌شود.]
- ۹- دادستان شهرستان
- ۱۰- رئیس واحد خبر در شهرستان
- ۱۱- رئیس اداره تبلیغات اسلامی
- ۱۲- فرمانده انتظامی شهرستان
- ۱۳- فرمانده سپاه
- ۱۴- یک نفر از مدیران مدارس علمیه شهرستان به انتخاب ستاد شهرستان در صورت وجود
- ۱۵- مدیر یکی از مدارس علمیه خواهران شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
- ۱۶- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.
تبصره ۱- هر یک از اعضای ستادهای مذکور باید شخصاً در جلسات حضور پیدا کنند.
تبصره ۲- مصوبات ستاد در چهارچوب اختیارات موضوع این قانون توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ می‌شود که برای آنها لازم‌الاجراء است.
تبصره ۳- جلسات ستادهای موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون با حضور اکثریت مطلق اعضاء رسمیت می‌یابد و مصوبات آن منوط به رأی اکثریت مطلق حاضران است.

دیدگاه مغایرت

شورای نگهبان ماده (۲۰) سابق را با توجه به ترکیب اعضای ستادهای استانی و شهرستانی امر به معروف و نهی از منکر و وظایف اجرایی که در ماده (۱۶) این مصوبه برای آن ستادها پیش‌بینی شده بود، مغایر با اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی دانست. بر این اساس، از آنجا که در این ماده‌ی اصلاحی، از طرفی ترکیب اعضای این ستادها نسبت به ماده‌ی سابق تغییر عمده‌ای نکرده است و از طرف دیگر، در ماده (۱۶) همچنان وظایفی بر عهده‌ی این ستادها گذاشته شده است که ماهیت اجرایی دارد، ایراد قبلی شورا نسبت به این ماده، مبنیاً بر استدلالی که در خصوص مغایرت ماده (۱۶) این مصوبه با قانون اساسی گفته شد، کماکان به قوت خود باقی است.

دیدگاه عدم مغایرت

با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی با اضافه کردن عبارت «به عنوان ناظر» به بندهای (۸) ماده (۲۰) اصلاحی، حضور نمایندگان مجلس در ستادهای استانی و شهرستانی امر به معروف و نهی از منکر را بدون حق رأی و صرفاً به عنوان ناظر جلسه و مصوبات آن پیش‌بینی کرده است، ایراد سابق شورای نگهبان مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۶۰) قانون اساسی از جهت دخالت نمایندگان در امور اجرایی برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۰)، قسمت اول ایراد سابق این شورا، کماکان به قوت خود باقی است.

[ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۲۳- اعتبارات اجرایی این قانون از محل بودجه فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این قانون و جدول شماره (۱۷-۱) کمک به اشخاص حقوقی غیردولتی) موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰ جدول شماره (۹) مربوط به ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر تأمین می‌شود.

دیدگاه مغایرت

مجلس در راستای رفع مغایرت این ماده با اصل (۷۵) قانون اساسی، محل تأمین اعتبارات اجرایی این مصوبه را «بودجه‌ی فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط» دانسته است؛ حال آنکه محل مصرف بودجه‌ی فرهنگی دستگاه‌های اجرایی قبلاً توسط قانون بودجه تعیین و مشخص شده است. لذا از یک طرف، تعیین محل مذکور تأمین‌کننده‌ی واقعی هزینه‌های اجرایی این مصوبه نیست و از طرف دیگر، این موضوع باعث افزایش هزینه‌ی عمومی دستگاه‌های مذکور نسبت به وظایفی که در این مصوبه به تکالیف قبلی آن دستگاه‌ها اضافه شده است خواهد شد. بنابراین، علی‌رغم اینکه در این مصوبه‌ی اصلاحی، گفته شده است که اعتبارات اجرایی این قانون، به طور خاص از محل بودجه‌ی «فرهنگی» دستگاه‌های اجرایی تأمین می‌شود، کماکان این ماده به دلیل افزایش هزینه‌ی عمومی دولت، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ زیرا طبق این اصل، طرح‌های قانونی نمایندگان که منجر به افزایش هزینه‌های عمومی دولت می‌شود در صورتی قابل طرح در مجلس هستند که در آن، محل واقعی تأمین هزینه‌های مزبور معلوم شده باشد.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس با اضافه کردن واژه‌ی «فرهنگی» به متن ماده‌ی اصلاحی، بودجه‌ی فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این مصوبه را به عنوان یکی از منابع تأمین اعتبارات اجرایی این مصوبه دانسته است، ایراد قبلی شورا مبنی بر معلوم نبودن طریق تأمین هزینه‌های این مصوبه، از خلال هزینه‌های عمومی دستگاه اجرایی ذی‌ربط نسبت به وظایفی که در این مصوبه به تکالیف قبلی دستگاه‌ها اضافه شده است، برطرف شده است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر یکی از مصادیق امور فرهنگی محسوب می‌شود و بر این اساس، بخشی از بودجه‌ی فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط، می‌تواند به عنوان منبع و طریق تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه محسوب شود. بنابراین، با توجه به معلوم شدن محل تأمین اعتبارات اجرایی این مصوبه، این ماده مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

در ماده (۲۳)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

تاریخ مصوبه مجلس شورای اسلامی: ۱۳۹۴/۱/۲۳ (مرحله سوم)

تاریخ بررسی در شورای نگهبان: ۱۳۹۴/۲/۲

[ماده (۱۳) و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۳- در مواردی که نسبت به امر به معروف و نهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت می‌شود.

تبصره- هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می‌تواند در صورت اذن مجنی‌علیه یا ولی وی حسب مورد نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضایی اقدام نماید.

دیدگاه مغایرت

از نظر شرعی، کسی که دین دیگری را پرداخت می‌کند تنها در صورتی که با اذن مدیون آن دین را پرداخت کرده باشد حق رجوع به مدیون را خواهد داشت. این موضوع در ماده (۲۶۷) قانون مدنی^{۵۱} نیز بیان شده است. این در حالی است که تبصره‌ی اصلاحی ماده (۱۳) برای وصول دیه و خسارات مربوطه، اذن مدیون (جانی) در پرداخت دیه توسط ستاد امر به معروف و نهی از منکر را لازم ندانسته است، بلکه بر خلاف موازین شرعی، برای وصول دیه و خسارات مربوطه از جانی، استیذان از مجنی‌علیه یا ولی دم وی را لازم ندانسته است. البته در صورتی که مجنی‌علیه یا ولی دم او دین خود را به ستاد مذکور بفروشند یا اینکه این ستاد معادل مبلغ دیه را به عنوان قرض به مجنی‌علیه یا ولی دم او پرداخت کند، این ایراد برطرف می‌شود؛ زیرا در این صورت، برای رجوع به مدیون (جانی) و دریافت دیه و خسارات مربوطه رضایت وی لازم نیست. گفتنی است اذن مجنی‌علیه یا ولی دم او به ستاد جهت وصول دیه از جانی، رافع اشکال فوق‌الذکر نیست؛ زیرا چنین اذنی تنها اجازه به ستاد جهت «وصول» طلب است و اثری مبنی بر «تملک» ستاد نسبت به دیه به وجود نخواهد آورد. بنابراین، از آنجا که ظاهر این ماده اولاً دلالت بر پرداخت دین (دیه) از طرف ستاد به مجنی‌علیه یا ولی دم دارد و ثانیاً برای رجوع به مدیون (جانی) و دریافت دیه و سایر خسارات مربوطه اذن و رضایت جانی را شرط ندانسته است، این ماده مغایر با موازین شرعی است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) حکم مقرر در تبصره‌ی اصلاحی ماده (۱۳) مبنی بر لزوم استیذان ستاد امر به معروف و نهی از منکر از مجنی‌علیه یا ولی دم وی برای وصول دیه و خسارات مربوطه از جانی با اشکالی مواجه نیست. توضیح آنکه ستاد مذکور با در نظر گرفتن مصلحت مجنی‌علیه یا ولی دم او و به خاطر طولانی نشدن روند دریافت دیه اقدام به پرداخت معادل دیه به مجنی‌علیه یا ولی دم او می‌کند و اینکه ستاد به چه عنوانی آن دیه را پرداخت می‌کند موضوعیت ندارد، بلکه آنچه مهم است آن است که علی‌رغم اینکه مجنی‌علیه یا ولی دم او معادل مبلغ دیه را از ستاد دریافت کرده‌اند، لیکن همچنان طلبکار جانی هستند؛ چون با اعطای معادل مبلغ دیه توسط ستاد، دین جانی به مجنی‌علیه یا ولی دم او از بین نمی‌رود. از این رو، با عنایت به اینکه در این موارد ستاد شرعاً حقی بر ذمه‌ی جانی نداشت و طبق تبصره‌ی ماده‌ی سابق ستاد می‌توانست رأساً و بدون استیذان به قائم‌مقامی مجنی‌علیه یا ولی دم او نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه اقدام کند، شورای نگهبان این تبصره را مغایر با موازین شرعی شناخته بود. حال مجلس برای رفع این ایراد مقرر داشته است که ستاد تنها در صورت استیذان از مجنی‌علیه یا ولی دم او می‌تواند به عنوان قائم‌مقام مجنی‌علیه یا ولی دم او نسبت به مطالبه‌ی دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضایی اقدام کند. بنابراین، شرط استیذان مقرر در این تبصره در واقع برای رفع این ایراد شورا بوده است؛ لذا این تبصره‌ی اصلاحی، مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

ب) موضوع ماده (۱۳) که به ستاد امر به معروف و نهی از منکر اجازه داده است در مواردی که جانی شناخته شده نیست و یا تمکن مالی ندارد، دیه را به مجنی‌علیه یا ولی دم او بپردازد و سپس خود بتواند با اذن مجنی‌علیه یا ولی دم در زمانی که جانی شناسایی و یا متمکن شده باشد، نسبت به وصول دیه از جانی اقدام کند، موضوعی است که نزد عرف عقلاً امری مرسوم و پذیرفته شده است و در شرع مقدس نیز دلیلی بر ردّ چنین سیره‌ای نیست؛ لذا این سیره، حجت و معتبر بوده و این ماده و تبصره‌ی آن مغایرتی با موازین شرعی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.

^{۵۱} ماده (۲۶۷) قانون مدنی: «ماده ۲۶۷- ایفای دین از جانب غیر مدیون هم جایز است، اگرچه از طرف مدیون اجازه نداشته باشد و لیکن کسی که دین دیگری را ادا می‌کند، اگر به اذن باشد حق رجوع دارد و الا حق رجوع ندارد.»

[ماده (۱۶) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می‌شود، عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌های اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی

ذی‌ربط

۲- تبادل اطلاعات و نظرات برای شکل‌گیری سیاست‌های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

۳- آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی علل ترک معروف و ارتکاب منکر

۴- تعیین الگوهای رفتاری

۵- زمینه‌سازی جهت مشارکت همه‌جانبه آحاد مردم و دستگاه‌های اداری و رسانه‌های عمومی در امور مربوط به فریضه امر

به معروف و نهی از منکر

۶- رصد اقدامات انجام‌شده در اجرای این قانون و انعکاس آن به مراجع ذی‌ربط

۷- تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه

۸- آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج گسترش فرهنگ آن

۹- شناسایی ظرفیت‌ها و کمک به تشکیل جمعیت‌ها و تشکل‌های مردمی فعال

۱۰- حمایت همه‌جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر

۱۱- پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راهکارهای اجرایی فرهنگ

عفاف و حجاب

۱۲- ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه و مردم.

تبصره ۱- وزارت کشور پس از کسب نظر مشورتی ستاد، نسبت به صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهادی که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر قصد فعالیت دارند، اقدام می‌نماید.

تبصره ۲- ستادهای استانی و شهرستانی می‌توانند درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع و راهپیمایی در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را بررسی و در صورت تأیید، نظر مشورتی خود را جهت صدور مجوز حسب مورد به استانداری، فرمانداری یا بخشداری ارسال کنند.

تبصره ۳- هرگاه مسئولان ذی‌ربط با تشخیص مراجع قضایی بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) استنکاف نمایند، مستوجب مجازات موضوع ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) می‌باشند.

تبصره ۴- وظایف ستاد نافی مسئولیت‌های وزرا، مسئولان دستگاه‌های اجرایی ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، رؤسای قوای سه‌گانه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در ارتباط با آنچه در این قانون مقرر شده نمی‌باشد.

دیدگاه مغایرت

یکی از اصول شرعی حاکم بر مجازات‌ها، تناسب میان جرم و مجازات است. تبصره (۳) این ماده، مسئولانی که بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) استنکاف می‌کنند را مستوجب مجازات ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی ۵۲۱۳۷۵ دانسته است که بر اساس آن، مرتکب علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل دولتی، به حبس از دو ماه

۵۲. ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم- تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱۱) مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۷۰- هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

تا سه سال محکوم خواهد شد. به نظر می‌رسد اصل تناسب میان جرم و مجازات در این ماده رعایت نشده است؛ زیرا نمی‌توان در مقابل رفتار جزئی و تخلفی همچون استتکاف از صدور مجوز، چنین مجازات سنگینی در نظر گرفت. از این جهت تبصره‌ی مزبور، به دلیل عدم رعایت اصل تناسب میان جرم و مجازات، مغایر با موازین شرع است.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) مجلس در تبصره‌های اصلاحی (۱) و (۲) این ماده، اقدامات ستادهای استانی و شهرستانی در خصوص بررسی درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر را برای استناداری و فرمانداری، واجد ماهیت «مشورتی» دانسته است که بدین ترتیب، این اقدامات برای وزارت کشور و دولت تکلیفی را ایجاد نمی‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه با این اصلاح به عمل آمده، اقدامات ستادهای استانی و شهرستانی نافی وظایف اجرایی دولت و وزارت کشور در این زمینه نیست، ایراد پیشین شورا مبنی بر دخالت ستاد در امور اجرایی و تغایر این موضوع با اصل (۶۰) قانون اساسی برطرف شده است.

ب) تبصره‌ی (۳) این ماده که استتکاف مسئولان ذی‌ربط را در صدور مجوزهای تبصره‌های (۱) و (۲) به موجب ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری کرده است، مغایرتی با اصل تناسب جرم و مجازات ندارد؛ زیرا عدم صدور مجوز موضوع تبصره‌های (۱) و (۲) این ماده، از جمله مجوز برگزاری تجمعات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر، ممانعت جزئی محسوب نمی‌شود، بلکه نقض آزادی‌های مردم و نیز نقض یکی از حقوق اساسی مردم یعنی امر به معروف و نهی از منکر مقرر در اصل (۸) قانون اساسی است. از این رو، پیش‌بینی مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی برای مرتکبین این جرم، متناسب با موضوع ماده (۵۷۰) و متناسب با رفتار ارتكابی است. لذا تبصره (۳) این ماده، مغایرتی با موازین شرع ندارد.

ج) با عنایت به اینکه وظایف پیش‌بینی شده برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر در ماده (۱۶) اصلاحی، یا فاقد ماهیت اجرایی است و یا در مواردی که دارای ماهیت اجرایی است، به مشورتی بودن نقش این ستاد تصریح شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر دخالت ستاد در امور اجرایی و در نتیجه، نقض اصل استقلال قوا برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۶)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[با عنایت به اصلاح ماده (۱۶)، ایراد ماده (۱۹) رفع شد.]

ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاستگذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد

۲- وزیر کشور

۳- وزیر اطلاعات

۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- وزیر آموزش و پرورش

۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت

۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر

۹- نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه

۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱۳- رئیس سازمان بسیج

۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه

۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه

۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خواهران

۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد

تبصره ۱- اشخاص دیگر نمی‌توانند به جای اعضای ستاد در جلسات شرکت کنند.

تبصره ۲- مصوبات ستاد توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ و در چهارچوب این قانون لازم‌الاجراء است.

دیدگاه مغایرت

الف) مستفاد از ماده (۱۶) اصلاحی آن است که ستاد امر به معروف و نهی از منکر در حیطة وظایفی که دارای ماهیت اجرایی است صرفاً از یک جایگاه مشورتی برخوردار است. این در حالی است که حکم مقرر در تبصره (۲) ماده (۱۹) مبنی بر لازم‌الاجراء بودن مصوبات ستاد به معنای آن است که دولت و سایر نهادهای ذی‌ربط نمی‌توانند از اجرای مصوبات ستاد خودداری کنند. لذا این موضوع دخالت در امور آنها محسوب شده و ناقض اصول (۶۰) و (۵۷) قانون اساسی است. بدین لحاظ، بین ماده (۱۶) و تبصره (۲) ماده (۱۹) این مصوبه تناقض و تهافت وجود دارد؛ زیرا مشورتی بودن جایگاه ستاد با حکم به لازم‌الاجراء بودن مصوبات آن ستاد سازگار نیست. از این‌رو، گرچه ماده (۱۶) این مصوبه در جهت رفع ایراد قبلی شورای نگهبان، به جایگاه مشورتی ستاد تصریح کرده است، لیکن مجلس نسبت به اصلاح تبصره (۲) ماده (۱۹) غفلت کرده است و این موضوع باعث ایجاد تناقض بین مفاد دو ماده شده است. از طرفی، این احتمال که مراد از این تبصره آن است که دولت و نهادهای ذی‌ربط ملزم به مشورت با ستاد هستند صحیح نیست؛ زیرا قانون‌گذار در هیچ مصوبه‌ای برای امور مشورتی و پیشنهادی تعبیر «لازم‌الاجراء بودن» را استعمال نکرده است. بدیهی است، در صورتی که عبارت «جهت اجراء» و «در چهارچوب این قانون لازم‌الاجراء است» از این تبصره حذف شود، این ایراد برطرف خواهد شد.

ب) مطابق با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی، یکی از وظایف جمهوری اسلامی ایران، ایجاد نظام اداری صحیح است. ماده (۱۹) بسیاری از مقامات کشوری از جمله هفت وزیر را عضو ستاد امر به معروف و نهی از منکر دانسته است و طبق تبصره (۱) این ماده، اشخاص دیگر نمی‌توانند به عنوان نماینده‌ی ایشان در جلسات ستاد شرکت کنند. الزام بر حضور شخص وزراء در جلسات ستاد، گاهی مواقع ممکن است موجب اخلال در انجام سایر وظایف ایشان شود؛ لذا نظام اداری و سازمانی دچار ضعف و ناکارآمدی خواهد شد. بنابراین، حکم مقرر در تبصره (۱) این ماده مبنی بر الزام اعضای ستاد بر حضور در جلسات و عدم پیش‌بینی امکان حضور نماینده‌ی ایشان، در مواردی که عذری وجود دارد، مغایر با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است.

دیدگاه ابهام

طبق ماده (۱۶) اصلاحی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر در حیطة وظایفی که دارای ماهیت اجرایی است صرفاً از یک جایگاه مشورتی برخوردار است. این در حالی است که تبصره (۲) ماده (۱۹)، مصوبات ستاد را لازم‌الاجراء دانسته است. بر این اساس، از آنجا که در این تبصره مراد از لازم‌الاجراء بودن مصوبات ستاد معلوم نیست، این تبصره دارای ابهام است. بدیهی است در صورتی که مراد از این تبصره آن باشد که دولت و سایر نهادهای ذی‌ربط نمی‌توانند از اجرای مصوبات ستاد خودداری کنند، این موضوع به معنای دخالت ستاد در امور دستگاه‌های اجرایی بوده و در نتیجه، تبصره‌ی مزبور با اصول (۶۰) و (۵۷) قانون اساسی در تضاد است. بنابراین، باید منظور از «لازم‌الاجراء بودن مصوبات ستاد» در این تبصره، مشخص شود تا بتوان نسبت به آن اظهار نظر کرد.

دیدگاه عدم مغایرت

الف) شورای نگهبان ماده‌ی سابق را با توجه به ترکیب اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر و وظایف اجرایی که در ماده (۱۶) این مصوبه برای آن ستاد پیش‌بینی شده بود، مغایر با اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی دانسته بود. با عنایت به اینکه وظایف پیش‌بینی شده برای ستاد امر به معروف و نهی از منکر در ماده‌ی (۱۶) اصلاحی، یا فاقد ماهیت اجرایی است و یا در مواردی که دارای ماهیت اجرایی است، به مشورتی بودن نقش این ستاد تصریح شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر دخالت ستاد در امور اجرایی و در نتیجه، نقض اصل استقلال قوا برطرف شده است. بنابراین، با توجه به رفع ایراد از ماده (۱۶) اصلاحی، ایراد قبلی شورا نسبت به ماده (۱۹) نیز منتفی شده است.

ب) بنا به تصریح تبصره (۲) ماده (۱۹)، مصوبات ستاد تنها در چهارچوب این مصوبه لازم‌الاجراء است. بدیهی است که یکی از احکام این مصوبه، مفاد ماده (۱۶) آن است که به موجب تبصره‌های (۱) و (۲) آن، نقش و جایگاه ستاد امر به معروف و نهی از منکر در کنار دولت و سایر قوا، تنها یک جایگاه «مشورتی» دانسته شده است؛ لذا ستاد مذکور نمی‌تواند وظیفه‌ای را به قوای سه‌گانه و یا دولت تحمیل کند. بنابراین، مصوبات ستاد تا زمانی لازم‌الاجراء هستند که ناقض جایگاه مشورتی آن ستاد نباشد. بر همین اساس، با وجود عبارت «در چهارچوب این قانون» در این تبصره، نمی‌توان حکم مقرر در این تبصره را با حکم ماده (۱۶) این مصوبه مبنی بر مشورتی بودن جایگاه ستاد در تناقض دانست. بدین لحاظ، تبصره (۲) ماده (۱۹) با اشکال و ابهامی مواجه نیست.

ج) مجلس شورای اسلامی به‌عنوان رکن قانون‌گذاری در تبصره (۱) این ماده، حضور شخصی اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر را بنا به مصالحی لازم دانسته است و از آنجا که تعداد جلسات ستاد در سال محدود است، نمی‌توان الزام به حضور شخصی اعضا در جلسات ستاد در این تبصره را موجب اخلال در انجام سایر وظایف ایشان و در نتیجه، به دلیل اخلال در نظام اداری صحیح، مغایر با بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی دانست.

نظر شورای نگهبان

ماده (۱۹)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[با عنایت به اصلاح ماده (۱۶)، ایراد ماده (۲۰) رفع شد.]

ماده ۲۰- ستادهای استانی و شهرستانی وظایف محوله در چهارچوب این قانون را زیر نظر ستاد انجام می‌دهند.

اعضای ستاد استان عبارت است از:

۱- امام جمعه مرکز استان به عنوان رئیس ستاد

۲- استاندار

۳- مدیرکل اطلاعات استان

۴- مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵- مدیرکل آموزش و پرورش

۶- رئیس یکی از دانشگاه‌های استان با انتخاب رئیس ستاد

۷- رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان

۸- دو نفر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان به عنوان ناظر

۹- دادستان مرکز استان

۱۰- مدیرکل سازمان تبلیغات اسلامی استان

۱۱- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان

- ۱۲- مدیرکل صدا و سیمای استان
 - ۱۳- فرمانده ناچا در استان
 - ۱۴- فرمانده ارشد سپاه در استان
 - ۱۵- دبیر ستاد ائمه جمعه استان
 - ۱۶- یک نفر از مدیران مدارس علمیه استان به انتخاب شورای حوزه‌های علمیه استان
 - ۱۷- مدیر مدارس علمیه خواهران در استان
 - ۱۸- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.
- تبصره- ستاد استان مسئولیت ستاد شهرستان مرکز استان را نیز عهده‌دار است.
- اعضای ستاد شهرستان عبارتند از:
- ۱- امام جمعه شهرستان به عنوان رئیس ستاد شهرستان
 - ۲- فرماندار
 - ۳- رئیس اداره اطلاعات شهرستان
 - ۴- مدیر آموزش و پرورش شهرستان
 - ۵- رئیس یکی از دانشگاه‌های شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۶- مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان
 - ۷- رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان
 - ۸- نماینده یا نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
 - ۹- دادستان شهرستان
 - ۱۰- رئیس واحد خیر در شهرستان
 - ۱۱- رئیس اداره تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده انتظامی شهرستان
 - ۱۳- فرمانده سپاه
 - ۱۴- یک نفر از مدیران مدارس علمیه شهرستان به انتخاب ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۱۵- مدیر یکی از مدارس علمیه خواهران شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
 - ۱۶- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد.
- تبصره ۱- هر یک از اعضای ستادهای مذکور باید شخصاً در جلسات حضور پیدا کنند.
- تبصره ۲- مصوبات ستاد در چهارچوب اختیارات موضوع این قانون توسط رئیس جهت اجراء به مبادی ذی‌ربط ابلاغ می‌شود که برای آنها لازم‌الاجراء است.
- تبصره ۳- جلسات ستادهای موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون با حضور اکثریت مطلق اعضاء رسمیت می‌یابد و مصوبات آن منوط به رأی اکثریت مطلق حاضران است.

دیدگاه عدم مغایرت

شورای نگهبان ماده‌ی سابق را با توجه به ترکیب اعضای ستادهای استانی و شهرستانی امر به معروف و نهی از منکر و وظایف اجرایی که در ماده (۱۶) این مصوبه برای آن ستادها پیش‌بینی شده بود، مغایر با اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی دانسته بود. با عنایت به اینکه طبق ماده (۱۶) اصلاحی، وظایف پیش‌بینی شده برای این ستادها یا فاقد ماهیت اجرایی است و یا در مواردی که دارای ماهیت اجرایی است، به مشورتی بودن نقش ستادها تصریح شده است، ایراد قبلی شورا مبنی بر دخالت ستادهای مذکور در امور اجرایی و در نتیجه، نقض اصل استقلال قوا برطرف شده است.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۰)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

[ماده (۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:]

ماده ۲۳- علاوه بر استفاده از ردیف بودجه ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر جدول شماره (۱۷)- «کمک به اشخاص حقوقی غیردولتی موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹)»، به دولت اجازه داده می‌شود از بودجه فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این قانون به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص دهد.

دیدگاه عدم مغایرت

با عنایت به اینکه مجلس در ماده (۲۳) اصلاحی، صراحتاً به دولت اجازه داده است که بخشی از بودجه‌ی فرهنگی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط موضوع این مصوبه را به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص دهند، ایراد قبلی شورا مبنی بر معلوم نبودن طریق تأمین هزینه‌های اجرایی این مصوبه برطرف شده است. بنابراین، با توجه به معلوم شدن محل تأمین اعتبارات اجرایی این مصوبه، این ماده مغایرتی با اصل (۷۵) قانون اساسی ندارد.

نظر شورای نگهبان

ماده (۲۳)، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

نظر نهایی شورای نگهبان

مصوبه مجلس در خصوص طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.